

(اغلب نمایندگان گفتند کافی است)
رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم مدت سه ماه را پنج ماه نمایند

نظام الدوله پیشنهاد میکنم بجای ماده چهارم نوشته شود وزارت مالیه بعد از سه ماه از روز اعلان این قانون را اجرا خواهد نمود - مدرس - امین الشریعه - محقق العلماء کازرونی

رئیس - این پیشنهادها هم بکمیسیون ارسال میشود

ماده پنجم قرائت میشود :
(آقای سهام السلطان بشرح آتی قرائت نمودند)

ماده پنجم - وزارت مالیه برای تعیین و تشخیص پوستهائی که مطابق ماده دوم بایستی ضبط شود و همچنین برای تشخیص پوستهائی ضبط شده دولت نظامنامه مخصوصی تهیه خواهد نمود تا در موقع حمل و نقل و اشکال و اختلافی رخ ندهد

مخبر - این ماده دیگر موضوعی پیدا نمیکند
رئیس - ماده ششم

(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده ششم - وزارت داخله و وزارت مالیه هر یک در حدود وظائف خود مأمور اجرای این قانون خواهند بود

مخبر - وزارت داخله زائد است فقط وزارت مالیه کافی است

رئیس - در این ماده دیگر مخالفی نیست.

(جمع گفتند خیر)
رئیس - شور اول ختم شد رای می گیریم به شور ثانوی بشود یا نشود

حاج شیخ اسدالله - اگر رای گرفته شود که مجلس داخل شور ثانوی این لایحه با همین مواد بشود بنده مخالفم ولی اگر مطابق آن پیشنهاد بکه شده است مواد تغییر کند و یک کمرک سنگینی بسته شود بنده موافق هستم

مخبر - حذف ماده پنجم گمان می کنم کاملاً جواب آقای حاج شیخ اسداله را می دهد

البته شور ثانوی پس از اصلاح بعمل خواهد آمد

رئیس رای می گیریم که داخل شور ثانوی بشویم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد جلسه آتی روز سه شنبه ساعت بیروب مانده دستور هم انتخاب هیئت رئیسه خواهد بود

فهم الملك - بنده استدعا می کنم

لایحه راجع بمدت اقامت مأمورین سیاسی در خارجه جزو دستور شود
رئیس - اگر وقت بود جزو دستور خواهد بود آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - در نوزدهم قوس پیشنهادی راجع بالصاق تبرع بامیاد غیر مستقیم شده بود قابل توجه هم بشود نماینده وزارت مالیه هم متعهد شد نظریات دولت را کتباً به مجلس بدهد چون تا بحال جوابی داده نه نشده استدعا می کنم تا یکپد شود زودتر در این موضوع جوابی به مجلس بدهد

رئیس - آقای وزیر مالیه خودشان هستند جواب می دهند

وزیر مالیه - در جلسه آتی نظریات وزارت مالیه را کتباً تقدیم می کنم
رئیس آقای کازرونی آقای وزیر مالیه را از سئوالتان مسبق کرده اید
آقا میرزا علی کازرونی - خیر فقط در جلسه قبل یک صورت سئوالی بمقام ریاست تقدیم کرده ام

وزیر مالیه - سئوالتان را بفرمایند
آقا میرزا علی کازرونی - البته تصدیق می فرمایند تکلیف دولت منحصراً این است که قوانین را اجرا کند هیچکس حق ندارد مالیاتی برقرار کند یا اینکه باسم مالیات چیزی از مردم بگیرد مگر آن مالیاتی که از مجلس گذشته باشد بنده و آقای وزیر و همه مردم می دانیم که پولها بعنوان مختلفه از مردم گرفته می شود و مدتی هم هست از افتتاح مجلس شورای ملی گذشته است و اگر در ایام فترت ضروری ایجاب کرده بوده که برخلاف قانون از مردم گرفته شود پس از افتتاح مجلس لازم بود صورت آن مالیاتها را بمجلس بفرستند و ببینند مجلس تصدیق می کند یا خیر لهذا بنده از آقای وزیر مالیه سئوال می کنم در خصوص این مالیاتهایی که بعنوان مختلفه از مردم می گیرند و مجلس هم آن ها را تصویب نکرده است چه عقیده دارند آیا گرفتن این مالیاتها را جایز می دانند یا خیر؟

وزیر مالیه - خوب است آقای کازرونی مواردی را که مالیاتهای غیر قانونی گرفته می شود توضیح بدهند کدام است دولت اساساً در نظر ندارد مالیاتی بدون تصویب مجلس گرفته شود و مالیاتهایی هم که در ایام فترت بدون تصویب مجلس وضع شده بود از طرف دولت حکم شده در همه جا موقوف شود و دیگر از کسی آن مالیاتها گرفته نمی شود

آقا میرزا علی کازرونی - بنده گمان می کردم این مالیاتهایی که از مردم برخلاف قانون گرفته می شود برخود آقای وزیر مالیه معلوم است و هیچ لازم نیست که بنده تشریح نمایم حالا که اظهار بی اطلاعی می کنند بنده صورتی تهیه نموده

و تقدیمشان خواهم نمود
از جمله مالیاتهایی که گرفته میشود مالیات کتیرا است و هم چنین مالیاتهای مختلفه که بعنوان مختلفه از قبیل دلالی و قیانداری و غیره از مردم گرفته می شود و چون صورتش را ندارم نمی توانم داخل در جزئیات آن بشوم

وزیر مالیه - در موضوع کتیرا يك لایحه بمجلس تقدیم شده است

رئیس - آقای وقار الملك (اجازه)

وقار الملك - بنده شب گذشته يك سئوالی راجع بمالیات غیر مستقیم عربستان از آقای وزیر مالیه نمودم جواب آن را موکول بامشب فرمودند نمی دانم جواب سئوال بنده حاضر است یا خیر

وزیر مالیه - راجع بمالیات عربستان يك اختلاف حسابهایی در موضوع مغارج سردار اقدس حاصل شده و در وزارت مالیه مشغول تحویه هستند البته پس از تسویه به مجلس تقدیم خواهند شد

وقار الملك - بطوریکه آقای وزیر مالیه مستحضرنند عرایض بنده حاوی دو قسمت بود يك قسمت آن راجع بمالیات مستقیم عربستان بود که عرض کردم و بالاینکه جواب آقای وزیر مالیه بنده را قانع نکرد فعلاً مسکوت می گذارم و امیدوارم عملاً بنده را قانع نمایند قسمت دیگر راجع به مالیات غیر مستقیم عربستان بود و مالیات غیر مستقیم عربستان آنچه راجع بشوشر است و تا اندازه رئیس مالیه دخالت در آن داشته آن را اداره کرده است ولی آنچه راجع بناصری و محرمه بوده بنده اطلاع دارم یا رسال به چهارده هزار تومان بالغ شده است نمی دانم از این مالیات چیزی باید دولت شده است یا خیر

(از طرف آقای وزیر مالیه اظهاری نشد)

مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۸۵

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه چهاردهم حمل ۱۳۰۱ مطابق ششم شعبان المعظم ۱۳۴۰ مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای مدرس نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه دوازدهم حمل را آقای سهام السلطان قرائت نمودند

نایب رئیس - آقای حائری زاده در صورت مجلس اظهاری دارید؟

حائری زاده - در صورت مجلس نوشته شده که بنده بابره کشی مخالف بودم ولی بالایحه دولت موافق بودم

بنده بالایحه دولت هم موافق نبودم و مخالف بودم.

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - اگر چه آقای صورت مجلس را یک قدری تند خوانند ممکن است بنده اشتباه کرده باشم ولی آنچه بنظر بنده رسید اگر چه بنده را جزو موافقین ضبط در کمرک نوشته بودند ولی پیشنهاد بنده این بود که صدی هفتاد و پنج کمرک گرفته شود نه اینکه بطور مطلق ضبط شود.

نایب رئیس - اصلاح میشود آقای حاج میرزا عبدالوهاب

(اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - در صورت مجلس نوشته اند که بنده عرض کردم بموجب ازدیاد صادرات است در صورتیکه بنده عرض کردم موجب کمی صادرات و ازدیاد واردات است و اشتباه شده است

نایب رئیس - اصلاح میشود دیگر فرمایشی در صورت مجلس هست؟

آقای اقبال السلطان

(اجازه)
اقتال السلطان - در صورت مجلس نوشته شده که بنده اظهار کردم برای ذبح بره جریمه معین شود.

بنده این طور عرض نکردم.

عرض کردم برای ذبح میش باید جریمه معین شود والا جریمه ذبح بره همان ضبط پوستش است

نایب رئیس - آقای قی

(اجازه)
آقای میرزا ابراهیم قی - بنده در ماده دوم علاوه بر پیشنهاد مخالفت هم کردم و اظهار مخالفت بنده در صورت مجلس ذکر نشده است

نایب رئیس - دیگر اعتراض نیست آقا سید یعقوب - در ماده چهارم هم بنده مخالفت مفصلی کردم و در صورت مجلس ابدأ ذکر نشده

نایب رئیس - جواب این است که آقای رئیس هم مکرر فرموده اند که مذاکرات را مفصلاً در صورت مجلس نمی نویسند بلکه خلاصه مذاکرات بطور اجمال نوشته میشود.

آقا سید یعقوب - صحیح است ولی در صورت مجلس هم مخالفت بنده اسم برده نشد که بنده مخالف بودم

نایب رئیس - دیگر فرمایشی نیست؟

(گفته شد خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس با این چند فقره اصلاح و تصویب شد.

قبل از اینکه داخل دستور شویم يك لایحه از طرف دولت رسیده است و تقاضای پانزده هزار هشتصد و هشت و شش تومان و هشت قران اعتبار برای مرمت ابنیه سلطنتی

شده است یکصد و بیست و نه نفر بودجه فرستاده میشود دستور امروز انتخاب هیئت رئیس است .
اول انتخاب آقای رئیس برای مفعی
اخذ آراء بعمل آمده و آقایان
وحیدالملک و مساوات (وحاج مقبل السلطنه
بهکم فرجه برای استخراج آراء تعیین و
پس از استخراج بترتیب ذیل نتیجه
حاصل شد)

مهره تفتیشیه (۷۴) عده اوراق
رای (۷۴)

آقای مومن الملک (۶۴) رای
آقای نصرت الدوله (۳) رای آقای امین الشریعه
یک رای

آقای میرزا محمدصادق طباطبائی
یک رای

آقای حاج میرزا محمد تقیخان نائیبی
یک رای

آقا شیخ الاسلام اصفهانی یک رای
آقای مومن السلطنه یک رای

آقای سلیمان میرزا یک رای
ورقه سفید علامت امتناع یک ورقه

نایب رئیس - عده نمایندگان حاضر
هفتاد و چهار آقای مومن الملک بسمت
ریاست شورای ملی به (۶۴) رای از (۷۴)

رای انتخاب شدند
شروع میکنیم با انتخاب دو نایب رئیس

اخذ آراء بعمل آمده و پس از استخراج
آراء ترتیب ذیل نتیجه حاصل شد

مهره تفتیشیه (۷۴) عده اوراق
رای (۷۲)

آقای مدرس (۴۹) رای
شاهزاده نصرت الدوله یک رای

شاهزاده سلیمان میرزا ۳۲ رای
ورقه سفید علامت امتناع یک ورقه

نایب رئیس - عده رای دهندگان
۷۳ نفر

امتناع یک نفر
شاهزاده سلیمان میرزا (۴۲) رای

شاهزاده نصرت الدوله یک رای
مجلس همه آقایان می و نه رای

(بعضی گفتند مبارک است)
نایب رئیس - انتخاب نایب رئیس

دوم
(برای انتخاب نایب رئیس دیگر

نیز رای گرفته و پس از استخراج
آراء بطوریکه ذیل مندرج

است نتیجه حاصل گردید
مهره تفتیشیه (۷۳) اوراق رای (۷۳)

آقای نصرت الدوله ۴۱ رای
آقای آشتیانی ۲۸ رای شاهزاده -

سلیمان میرزا (۲) رای امتناع دو ورقه
نایب رئیس - عده رای دهندگان

(۷۲)
ورقه سفید دو شاهزاده سلیمان میرزا

در رای

آقای نصرت الدوله چهل و یک رای

آقای آشتیانی بیست و هشت رای
آقای نصرت الدوله به نیابت ریاست

با اکثریت چهل و یک رای انتخاب شدند
شروع می کنم با انتخاب چهار نفر

منشی با انتخاب جمعی
(اخذ آراء شده و بترتیب ذیل

نتیجه حاصل شد)
عده مهره تفتیشیه (۷۴)

اوراق رای (۷۴)
آقای حاج میرزا اسدالله خان کردستانی

(۴۹) رای
آقای امیرناصر (۴۸) رای

آقای متصرالملک
د نظام الدوله (۴۲) رای

د اقبال السلطان ۳۲ رای
د فتح الدوله ۳۰ رای

د وقارالملک ۲۹ رای
د شیخ الاحلام ملایری ۲۷ رای

د آصف الممالک ۳ رای
د تسین
د میرزا ابراهیم قمی ۲

د وحیدالملک
د سردار معظم کردستانی ۱ رای

د ملک الشعرا یک رای
د سردار مقیم
د شیخ الاسلام اصفهانی یک رای

د احتشام الدوله ۱ رای
د شیخ العرافین زاده ۱ رای

ورقه سفید یک ورقه
نایب رئیس - سه نفر از آقایان

حائز اکثریت شدند
آقای حاج میرزا اسدالله خان

کردستانی ۴۹ رای
آقای امیرناصر ۴۸ رای

د منتصرالملک
حال باید یک نفر دیگر انتخاب

شود
بعضی اظهار کردند : اگر اجازه

می فرمائید قدری تنفس شود
نایب رئیس - خوب است همه

را انتخاب کنیم بعد جلسه را ختم نمائیم
ولی اگر میل آقایان باشد ممکن است

نیم ساعت تنفس شود
(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل

و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل
گردید)

نایب رئیس - شروع میشود به
اینجانب بکنفر منشی دیگر

(اخذ آراء بعمل آمده و این
طور نتیجه حاصل شد)

مهره تفتیشیه (۷۱) اوراق آراء
(۷۱)

آقای نظام الدوله ۳۴ رای
د اقبال السلطان

د

د ملک الشعراء یک

ورقه سفید علامت امتناع ۴ ورقه
نایب رئیس - چون بلا نتیجه ماند

دوباره رای می گیریم
(مجدداً اخذ و استخراج آراء

بعمل آمده بترتیب ذیل نتیجه
حاصل گردید)

مهره تفتیشیه (۷۲) - عده آراء
(۷۲)

آقای نظام الدوله ۳۶ رای
د اقبال السلطان

د ملک الشعراء
ورقه سفید علامت امتناع ۴ ورقه

نایب رئیس - آقای نظام الدوله
با اکثریت سی و شش رای انتخاب شدند

شروع می کنم با انتخاب سه نفر مباشر
با انتخاب جمعی

(برای انتخاب مباشرین اخذ و استخراج
آراء بعمل آمده این طور نتیجه حاصل

گردید)
مهره تفتیشیه (۷۱) - عده آراء

(۷۱)
آقای ارباب کیخسرو ۴ رای

د عدل السلطنه ۴۲ رای
د نصیردیوان ۳۸ رای

د میرزا ابراهیم قمی ۲۹ رای
د کازرونی ۲۷ رای

د رئیس التجار ۱ رای
د مدرس

د دکتر لقمان
د نصرت الدوله

د سید یعقوب
د اقبال السلطان ۱ رای

د امین التجار
د حاج میرزا تقیخان نائیبی ۱ رای

د عبدالملک ۱ رای
د بیان الملک

د امین الشریعه
د فهم الملک

ورقه سفید علامت امتناع ۱ ورقه
نایب رئیس - عده حضار هفتاد و

یک نفر
آقای ارباب کیخسرو ۴ رای

د عدل السلطنه ۴۲ رای
د نصیردیوان ۳۸ رای

با اکثریت انتخاب شده اند
جلسه آینده روز پنجشنبه سه ساعت

بغروب مانده
دستور طرح قانون راجع بحدت

اقامت مأمورین سیاسی ایران در خارجه و
بودجه های کابینه سلطنتی و ریاست وزراء

خواهد بود
جلسه ۸۶

صورت مشروح مجلس یوم شانزدهم
حمل ۱۳۰۱ مطابق هشتم

شعبان ۱۳۴۰

مجلس دو ساعت قبل از غروب بر ریاست

آقای مؤمن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم سه شنبه چهاردهم
حمل را آقای امیرناصر قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس مخالفی
هست یا نه؟

مخالفتی نشد
رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

از اینکه در جلسه گذشته مجلس شورای
ملی بخدمات ناقابل بنده اهمیت ووقعی گذاشته

و مجدداً اظهار ظن و اعتماد نسبت به بنده
فرموده اند کمال تشکر و امتنان را دارم و

امیدوارم با رضایت خاطر آقایان اموری که
به بنده محول شود انجام دهم

از طرف و کلا - انشاء الله - و یقین
دارم همانطوری که سابقاً بنده در حسن انتظام

امور مجلس همراهی فرموده اند باز هم
مساعدت فرمایند - انشاء الله - راجع بامور

داخلی مجلس امیدوار هستم انشاء الله در
این شش ماهی که در جلو داریم از حیث

کار کردن از شش ماه گذشته عقب نمائیم
چون در ششماه گذشته مجلس بکارهای

مهمی دست زد و لواایح زیادی بمجلس آمده
که در کمیسیونها تحت مطالعه است و عنقریب

بمجلس خواهد آمد کمیسیون بودجه و خود
مجلس شورای ملی نسبت به بودجه خرج

مملکت تصمیمات و اقدامات خیلی مفیده
اتخاذ کرده اند که در دوره های سابق

نظائری نداشته است - گفته شد صحیح
است

بدین لحاظ است که بنده امیدوار هستم
در آتی نیز به همین وتیره عمل شود و هیچ شک

هم ندارد که همینطور خواهد شد برای
اینکه در مجلس شورای ملی حسن اقدامات

عملی پیدا شده و این حسن ناشی نیست مگر
از تغییر افکار عامه در سابق یعنی در اوایل

مشروطیت و در مجلس شورای ملی اول
خیال می کردند که گفتن لفظ مشروطه و

داشتن قانون اساسی مملکت اصلاح میشود
ولی بعد معلوم شد که اصلاحات یک تنقیدات

و ایراداتی هم لازم دارد .
لیکن در زمینه تنقیدات یک قدری سوء

استعمال و افراط شده و علاوه بر این یک عیب
دیگری که در کارهای مملکتی بود مسئله

نقلیه بود و خیال می کردم که کارهای
مملکتی را به نقلیه می شود گذرانید بنا بر

این گاهی مقلدزید بودم و گاهی مقلد عمرو
و گاهی هم مقلد بکر .

این است که اگر بقوانین مادرست
امعان نظری بشود ملاحظه خواهد شد که

از بیست ماده قانون شاید یکی هم قابل اجرا
نباشد ولی حالا دیده می شود که در بعضی

اشخاص که در کارهای سیاسی داخل هستند
یک حق دیگری پیدا شود و آن حسن

عمل و اقدامات عملی است که بعد از ۱۶
سال مشروطیت این حسن و این نظریه و این

عقایدیکه جدیداً در مردم پیدا شده و در

مجلس هم انکسائی پیدا کرده باین نظر است که ما می بینیم مجلس شورای ملی معتقد شده است که در کارها اقدامات عملی باید بشود.

البته مجلس شورای ملی می داند که مشروطیت يك امر عظیمی است و با نقلیه و حرف زدن کار مملکت اصلاح نمی شود (گفته شد صحیح است)

اولا مشروطیت يك میل و افری می خواهد و بعد اقدامات جدی عملی لازم دارد (گفته شد صحیح است) کمیسیون بودجه را هم در خرج مملکت اقدامات عملی کرده است و امیدوار هستیم که انشاء الله بودجه دخل مملکت هم همان اقدامات عملی را بکنند برای اینکه خرج بی دخل و يك بودجه که خرجش مرتب و دخلش مرتب نباشد یا بالعکس شاید مثل شخصی باشد که عملش تابع عقلش نباشد یا اگر از این مثل خوششان نیاید می توانند عرض کنند مثل شخصی است که گاهی از روی عقل کار کند و گاهی از روی احساسات قلبی باین لحاظ در هر مملکتی که خواسته اند رژیم مشروطیتشان مستقل شود اول نظری بدخل و خرج مملکت انداخته اند که هر دورا مساوی کنند کمیسیون بودجه هم در خرج مملکت اقدامات مفیده کرده و در دخل هم امیدواریم منظور اقدام کند ولی چیزیکه بنظر بنده می آید و البته خود آقایان هم می دانند اگر زیادی نباشد عرض میکنم که در دخل مملکت هم دو رشته اصلاحات لازم است چون اصلاحات کلیه راجع بجلوگیری از تمذیات است

تمذیات هم بر دو قسم است یکمرتبه بر ضرر دولت است که مالبه دولت حیف و میل می شود و يك تمذیاتی است که بر منفعت دولت است و بر مردم تعدی و اجحاف می شود ما باید از هر دو قسم تعدی جلو گیری کنیم و نباید بگوئیم این تمذیاتی که بمنفعت دولت است از او نباید جلو گیری کنیم بجهت اینکه برای دولت تحصیل عایدی است زیرا اگر این عقیده مابود دیگر لازم نبود که مامشروطه بشویم در زمان استبداد هم همین حرف را میزدند و اصول استبداد هم همین است که بیشترین منافع یا کمترین ضرر برای دولت ولی اصول مشروطیت غیر از این است یعنی بیشترین منافع ملت یا کمترین ضرر دولت است ما هم بایستی در کار دخل مملکت و در مالیات ها که وضع شده و میشود همین اصول را رعایت کنیم مثلا اگر در ازمنه سابقه مالیات ها وضع شده و بعد در مجلس اول و دوم و سوم مالیات های جدیدی وضع کرده اند یا در ایام فترت هیئت وزراء یا اشخاص دیگری مالیاتی وضع کرده اند شاید ملاحظه نکرده اند که این مالیات جدیدی که وضع می شود آن مالیات قدیم را باید لغو کرد (صحیح است) و

همچنین در خیال اینهم نیافتاده اند که آنها را يك کاسه و يك نواخت کنند که هم تکلیف امنای مالبه و هم آنهاست که مالیات بده هستند معلوم باشد این است که بنده گمان می کنم کمیسیون قوانین مالبه و کمیسیون بودجه باید در این امر يك نظر همی بکنند و از حیث يك کاسه کردن و يك نواخت کردن بعضی مالیات ها و تطبیق آنها با قوانینی که در سابق وضع شده يك قدری تعمق بکنند و آنهاست که باید الفاء شود الفاء نموده و آنهاست که باید يك کاسه و يك نواخت بشود مرتب بشود و بمجلس پیشنهاد نمایند در خانه این را هم زائد نمیدانم عرض کنم که از بدو افتتاح مجلس تا بحال راجع به واردات مملکت مذاکرات زیادی شده و از طرف جمعی مخصوصا از ولایات پیشنهادات زیادی بمجلس رسیده راجع به منع ورود بعضی اتمه از قبیل اتمه تجملی و تا کنون این قبیل لواحق در کمیسیون مانده اگر چه اعمان نظر و وقت کامل در آنها شده است ولی راپورتش حاضر نشده لذا از آقایان خواهش می کنم که در انتخاب اعضاء کمیسیون تجارت يك جدیدی بفرمایند که کمیسیون زودتر تشکیل شود و راپورت خود را زودتر بمجلس شورای ملی پیشنهاد کند تا آن چیزیکه مطلع نظر عامه اهالی این مملکت است زودتر بموقع اجرا گذاشته شود.

(گفته شد صحیح است)

رئیس - شعبات باید تجدید شوند. هر شعبه سیزده نفر خواهد بود باستثنای شعبه اول و دوم و سوم که چهارده نفر می شوند.

(در این موقع آقای منتصر الملک استقرا نمود و شعبات بترتیب ذیل بحکم قرعه تعیین شدند)

شعبه اول - آقای بهاء الملک. آقای مستوفی الممالک. آقای بیان الدوله. شاهزاده نصرت الدوله. آقای حاج میرزا تقی خان نائینی. آقای آقا میرزا علی کازرانی. آقای سهام السلطان. آقای سردار جنگ. آقای رفعت الدوله. آقای معتمد السلطنه. آقای نصیر دیوان. آقای شیخ الاسلام ملایری. آقای حاج امین التجار. آقای وقار الملک هم در آخر ضمیمه شد

شعبه دوم - آقای میرزا محمد حسین صدرانی. آقای حائری زاده. آقای حاج نصیر السلطنه. آقای فتح الدوله. آقای موتمن - السلطنه. آقای بیان الملک. آقای سردار معظم کردستانی. آقای مستشار السلطنه. آقای حاج مقبل السلطنه. آقای حاج میرزا مرتضی. آقای ناظم العلماء. آقای آقا سید فاضل. آقای حاج میرزا علی محمد. آقای آصف الملک نیز بعد علاوه شد

شعبه سوم - آقای آقا سید محمد تقی طباطبائی. آقای حاج میرزا اسدالله خان

کردستانی. آقای حاج میرزا عبدالوهاب. آقای عماد السلطنه طباطبائی. آقای قوام الدوله. آقای آقا سید جواد معحق العلماء. آقای احتشام الدوله. آقای امیر ناصر آقای شیخ - الاسلام اصفهانی. آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی. آقای وحید الملک. آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی. آقای آقا میرزا ابراهیم خان ملک آرائی. آقای موتمن - الملک.

شعبه چهارم - آقای آقا سید محمد رضای سادات. آقای سهام السلطنه. آقای عماد السلطنه خراسانی. آقای شیخ المراقین زاده. آقای عدل السلطنه. آقای آقا سید یعقوب. آقای آقا سید حسن مدرس. آقای آقا سید محمد ندین. آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی. آقای منتصر الملک. آقای صدر الاسلام. آقای رکن الملک. آقای فضل خان.

شعبه پنجم - آقای حمید الممالک. آقای سدید الملک. آقای میرزا ابراهیم قمی. آقای میرزا شهاب الدین. آقا میرزا محمد نجات. آقای شریعتمدار حکمرانی. آقای اقبال السلطان. آقای سلطان العلماء. آقای حاج شیخ اسدالله. آقای آقا سید کاظم یزدی. آقای وکیل الملک. آقای حاج مخبر السلطنه. آقای رئیس التجار.

شعبه ششم - آقای سردار مخمض. آقای دکتر لقمان. آقای سلیمان میرزا. آقای جلیل الملک. آقای نظام الدوله. آقای امین - الشریعه. آقای فهد الملک. آقای میرزا طاهر تنکابنی. آقای محمد هاشم میرزا. آقای ارباب کبشرو. آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی. آقای میرزا محمد صادق طباطبائی. آقای ملک الشمره.

رئیس - چون کمیسیونها باید تجدید شوند لذا سه نفر مستخرج آراء باید تعیین شوند.

آقای منتصر الملک استقرا نمود و آقایان موتمن السلطنه و معتمد السلطنه و آقای میرزا طاهر تنکابنی بحکم قرعه معین شدند

رئیس - برای تجدید انتخاب کمیسیون ها با آن ترتیبی که آقایان اتخاذ کرده اند یعنی بطریق معمول که مشغول مذاکرات باشیم و آقایان یکی یکی تشریف ببرند بیرون و انتخاب کنند گمان نمی کنم انجام بگیرد یعنی از روی عمل آنچه دیده شده با این ترتیب نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد و اگر آقایان موافق باشند خوب است جلسه را تعطیل کنیم که آقایان تشریف ببرند بیرون و کمیسیونها را انتخاب کنند بعضی گفتند صحیح است

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بطوریکه خاطر آقایان مستحضر است راپورت کمیسیون

بودجه و کمیسیون خارجه جزو دستور بود و بنده تصور می کنم مذاکره در راپورت کمیسیون بودجه راجع بودجه ریاست وزراء مطرح شود و بعد در موقع تنفس کمیسیون هارا انتخاب نمایند

رئیس - چون مکرر دیده شده که در موقع تنفس نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد

مدرس - اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

مدرس - گمان میکنم امروز موفقیت بانتخاب کمیسیونها حاصل نشود زیرا آن طوریکه باید و شاید تبادل افکار نشده خوب است جلسه بعد معقول شود

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای سلیمان میرزا سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده عرضی ندارم

رئیس - مجلس با پیشنهاد آقای مدرس موافق است؟ مخالفتی نشد

رئیس - پس راپورت کمیسیون خارجه مطرح است ماده اول قرائت میشود

(آقای امیر ناصر ماده اول را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - مدت مأموریت کدبه مأمورین سیاسی و فنسولی دولت علیه ایران در ممالک خارجه باستثنای مأمورین افتخاری نباید از پنج سال تجاوز نماید و در انتقضای این مدت مأموریت مجدد آنها بخارجه منوط است باینکه لااقل یکسال در ایران توقف کرده باشند

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - بنده موافقم

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده در يك قسمت مخالفم و در يك قسمت موافقم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ محمد حسن - از برای موافقت با این لایحه همین يك جمله را کافی میدانم که المجالسه مؤثره. ولی مدت پنج سال را زیاد می دانم و پیشنهاد میکنم بیشتر از ۳ سال نباشد

رئیس - آقای زنجانی (اجازه)

آقا شیخ ابراهیم - در شور اول بعقیده من در این ماده بقدر کافی مذاکره شد و جواب بعضی اشکالاتی که آقایان کردند داده شد ولی بنده می خواهم مجدداً بآنها اشاره بکنم

بآنها اشاره بکنم

اولا اینکه آقای گروسی پیشنهاد کردند که مدت سه سال باغد بنده سه سال را کم میدانم بجهت اینکه مأمورینی که میروند آنجا تاراه بکار پیدا کند لابد یک مدتی وقت لازم دارد و بمقیده بنده پنجسال که پیشنهاد شده کافی است و زیاد نیست و اما اشکالی که بعضی از آقایان کردند و فرمودند که ممکن است آن مأمور در سر پنجسال که موقع احضار اوست داخل در یک سیاستی شده و خواستن او در این موقع شاید سبب بامور وارد آورد بمقیده بنده این اشکال وارد نیست چرا؟ برای اینکه وقتی وزیر خارجه دید که یک مأمور در فلان محل بقدر کفایت اقامت کرده یعنی مدت پنج سال او تمام شده او را خواهد خواست و اگر چنانچه او داخل در یک مذاکرات و سیاسانی شده البته قبل از وقت وزارت خارجه از برای او عوض معین میکنند و بموقع عوض او را خواهد رسانید بملاوه می تواند از سایر مأمورین خودش که در نقاط دیگر همان مملکت هستند و مدت پنج سالشان سر نیامده بجای او بفرستد و این هیچ سبب بکار او وارد نخواهد آورد و ما فوائد این امر هم زیاد است و مختصراً اشاره می کنم .

یکی اینکه این شخص بمملکت خود برمی گردد و از سیاست مملکت خود اطلاع حاصل می کند و از اطلاعاتی که در خارجه تحصیل کرده بمملکت فائده می رساند و دیگر اینکه برای جلوگیری از تشبثات بعضی اشخاص که اسباب چینی میکنند تادر آن محل بمانند این قانون خیلی لازم است و رفع آن تشبثات را می کند و بنده این ماده را لازم می دانم و اشکالی هم ندارد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقت یا مخالف ؟

آقا سید یعقوب - بنده از آقای ممبر سؤالی دارم

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - در لایحه اول که بنظر هیئت دولت هم رسیده ذکر لفظ قنصولی نشده بود و در این لایحه ثانی نوشته است مدت مأموریت کلیه مأمورین سیاسی و قنصولی دولت علیه ایران بنده خواستم از آقای ممبر سؤالی کنم که مأمورین سیاسی شامل قنصول هم میشود یا نه؟ و علت چیست که لفظ قنصولی را اضافه کرده اند و هم چنین علت استثناء کردن مأمورین افتخاری چیست ؟

مخبر - اولاً مأمورین سیاسی فقط شامل سفراء و وزراء مختار میشود و قنصولی یک رشته علیحده است و مأمورین سیاسی شامل آنها نمی شود لهذا لفظ قنصولی اضافه شد

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد مخالف هستند ؟

حاج میرزا علی محمد - بلی

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد - سابق بر این در این لایحه نوشته بودند وزرای مختار و سفرای مقیم ولی حالا نوشته اند کلیه مأمورین سیاسی و مأمورین سیاسی یک کلمه است که شامل زارژداف و نواب سفارت خانها هم میشود و کلمه قنصول هم شامل و پس قنصول و ژنرال قنصول و غیره خواهد شد و من عقیده ندارم که این لایحه آنقدر توسعه بدهیم که شامل قنصول و ویس قنصول و شارژداف و نواب هم بشود و بملاوه سابقاً هم عرض کرده ام وقتی که بنشاند تمام مأمورین سیاسی را بخواهند آنوقت باید در سفراتخانه را بکلی ببندند و بیایند چونکه تمام مأمورین از قبیل زارژداف و قنصول و نواب و غیره باید بیایند و بنده نمی دانم نظر کمیسیون در این است که تمام نواب نواب اول و دوم و آتاشها و غیره را هم شامل شود یا نه ؟ یعنی کلمه مأمورین سیاسی باینجا اطلاق می شود یا نه ؟ اگر شامل بشود دیگر که در سفراتخانه نمی ماند مگر اینکه متوسل بشوند به آن ماده آخر که برای آنها یک مدتی مهلت معین کرده اند والا اساساً اینکار کار مشکلی است دیگر اینکه تصریح شده است که این قانون شامل ما قبل خودش هم هست و دولت در این مورد دچار اشکالات می شود

مخبر - در راپورت اولیه کمیسیون در نظر آقایان هست که اختصاصی داده شده بود بسفرای مقیم و وزرای مختار اکنون اینطور احساس شد که نظریات اکثریت مجلس یعنی موافق پیشنهادانی که آقایان فرمودند و بکمیسیون ارجاع شده است این است که شامل تمام مأمورین می شود اهم از قنصول ها و اجزاء سفارتخانه ها و آتاشها و غیره بملاوه آن نظریه که این پیشنهاد را در مجلس قابل توجه کرد یک چیزهایی بود که اگر بقنصولها مخصوصاً ویس قنصولها و اگر مراجعه کنیم خواهیم دید که بیشتر آنها مستلزم تغییر و تبدیل هستند زیرا در خارجه باتباع ایران خیلی صدمه و زحمت وارد میاورند مثل اینکه در اسلامبول دولت مجبور شد که یکمرتبه تمام اعضاء سفارت خانها را احضار و تعطیل کند که هیچکس در سفارتخانه نباشد اینها تمام بواسطه رفتار مأمورین مخصوصاً مأمورین جزء قنصول گری بوده و کمیسیون پس از مطالعات زیاد لازم دانست که این نظریه را تنفیذ کند و اما اینکه می فرمایند در اجرای این امر دولت دچار اشکال می شود خبر اینطور نیست که آقای حاج میرزا علی محمد خیال می کنند که هر پنجسال پنجسال

عوض بشوند و در آخر هر پنجسال باید یک مدتی در سفراتخانه را به بندند تا همه ثانوی برود اینطور نیست و ترتیبش غیر از این است

اولاً در این لایحه معرزشده است که حکما مأموری باید پنجسال متوالی بماند و در رأس ۵ سال حرکت کند خبر دولت مجاز است که یکسال دوسال سه سال هشت ماه او را نگاهدارد و منتهی مدت توقف او پنج سال است و نباید از پنجسال تجاوز میکنند .

ثانیاً تمام آنها که یکدفعه احضار خواهند شد البته بتدریج خواهند آمد یعنی ممکن است که اول خود وزیر مختار را احضار کنند بعد اجزایش را بخواهند و این ماده سوم هم جلوگیری از اشکال آقای دولت آبادی می کند که رؤساء آنها را اول احضار کنند و اجزاء آنها را در ظرف یکسال بتدریج عوض کنند یعنی دولت تمام را عوض می کنند یا تغییر مأموریت می دهد ولی عوض آنها را بتدریج معین می کند و هیچوقت از ابتداء هم یکدفعه رایک دفعه نمی فرستد که در آخر آن تاریخ مجبور باحضارهم باشند

رئیس - آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - موافقم

رئیس - آقای کازرانی موافقت

آقا میرزا علی کازرانی -

مخالفم .

رئیس - بفرمائید

آقا میرزا علی - بنده در شور اول پیشنهاد کردم که مدت اقامت مأمورین خارجه بیش از سه سال نباشد بجهت اینکه آقایان موافقین یکی از دلائلی که برای وجوب این لایحه اقامه می کردند این بود که مأمورین که بخارجه میروند تجربیات و معلوماتی حاصل می کنند و مطابق این قانون باید بایران بیایند و آن معلومات را بما بدهند

بسیار خوب اگر این حکمیتش باشد بنده هم موافقم ولی مطابق همین دلیل اگر مدت مأموریتشان سه سال باشد بهتر است که بیشتر بخارجه میروند و زودتر بر می گردند و بیشتر تجربه بیاموزند بملاوه نمی دانم بچه نظر و ملاحظه ۵ سال را خیلی کوتاه قرض می کنم ۵ سال خیلی زیاد است و در حقیقت یک نیمچه عمری است علی الحال بمقیده بنده پنج سال خیلی زیاد است و گمان می کنم سه سال کافی است و بنده همان نظریات سابق خودم را که پیشنهاد کرده ام تمیق می کنم و خواهش می کنم که ممبر محترم بپذیرند و مدت را سه سال قرار بدهند

رئیس - آقای سهام السلطان

(اجازه)

سهام السلطان - اساساً اگر آقایان دقت بفرمایند تصدیق خواهند کرد که دولت محدود نخواهد بود که زودتر از پنج سال مأمورین را نتواند تغییر بدهد خیر ؟ دولت از یک سال تا پنج سال هر وقت مقتضی بداند مأمورین خود را میتواند تغییر بدهد و منتهی مدت او پنج سال است و بمقیده بنده نیایستی مدت را خیلی محدود کرد دست دولت را بسبب که نتواند یک مدت کافی مأمورین را در یک نقطه باقی بگذارد و باید پنج سال را بطور مدت آخر قرارداد یعنی تا پنج سال در این صورت چنانچه دولت لازم بداند می تواند قبل از پنج سال مأمور خودش را تغییر بدهد و هیچ مانعی ندارد اینکه آقای حاج میرزا علی محمد فرمودند که این ماده موجب می شود که یکمرتبه اعضاء سفارتخانه را بخواهند و در سفراتخانه را به بندند اگر ملاحظه بفرمایند خواهند دید که تمام اعضاء یکمرتبه برای یک سفارتخانه رفته اند که یکمرتبه موفق بتغییرش نشوند هر کدام به تفاوت رفته اند و بتفاوت هم تغییر و احضار خواهند شد و بملاوه برای آنها یک مدتی مهلت معین شده و یکسال فرجه قرار داده اند در این صورت دست دولت باز است و هر طور مقتضی بداند رفتار می کند

رئیس - آقای محقق العلماء

مخالفید ؟

محقق العلماء - بنده در یکقسمت

مخالفم و در یکقسمت موافق

رئیس - بفرمائید

محقق العلماء - اینکه در این ماده می گویند اعلای توقف مأمورین در خارجه پنج سال است و بعد باید بیایند و یکسال در ایران بمانند عرض می کنم که بنده از این بیانات فهمیدم که مقصود از پنجسال حد اعلی است نه اینکه دولت ناچار باشد که پنجسال تمام آنها را در سر مأموریت خودشان نگاهدارد والا در ماده که فهمیده نمی شود و بنده از بیانات ملتفت شدم ولی عرض می کنم که ممکن است بعضی از این مأمورین قابل ولایت و صلاح العمل و عارف باصلاح و سیاست مملکت و مسلک خارجه شده باشند و این قانون ناچار می کند دولت را که آنها را احضار کند خوب حالا که احضار شوند دیگر چرا باید یکسال توقف کند و بمقیده بنده یک سال زیاد است زیرا این قانون دولت را مجبور کرده است که نگذارد مأموریتش در خارجه بیش از ۵ سال توقف نماید و در سر پنجسال باید او را احضار کند والا اگر این قانون نبود شاید ده سال دیگر هم دولت بواسطه صحت عمل و لیاقت او مدت مأموریت او را در همانجا ادامه میداد

حالا که این قانون دولت را مجبور کرده که آنها را بایران مراجعت بدهد یا

کمال اطمینانی که به آنها دارد دیگر بنده شایسته نمی دانم که یکسال در تهران بماند بلکه چهار پنج ماه بماند کافی است و بعد برگردد محل مأموریتش و یکسال را بنده زیاد میدانم

رئیس - آقای گروسی که مخالف بودند آقای امین الشریعه بطور امین الشریعه - مخالف رئیس - آقای ملک الشعراء موافقید ؟

ملک الشعراء - خیر مخالفم رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب

حاج میرزا عبد الوهاب - مخالفم

رئیس - آقای سید یعقوب موافقت ؟ آقا سید یعقوب - بسی موافقم رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - نمی دانم نماینده محترم فارس در شور اول مکر تشریف نداشتند که بدانند فلسفه اینکه یکسال باید در ایران توقف کنند و برگردند و فلسفه اینکه آنها را احضار کنند چیست ؟

اولا ما ناچار هستیم این مسئله را در تحت قانون قرار بدهیم چون مأمورینی داریم در خارجه که حقیقتاً نتوانستیم آنها را احضار کنیم بعضی گفتند خیر خیر این طور نیست

باید آنها را به فوت قانون احضار کنیم و فلسفه اینکه بپایند و یکسال در ایران بمانند برای این است که از سیاست مملکت و از حالات روحی و تغییرات و کیفیاتی که در مملکت ایجاد شود ملتفت شوند و برای امین مشاهده کنند پس از آن اگرخواست آنها را باز مأمور کند و در ظرف سه چهار ماه قطعاً این مطلب حاصل نمی شود دیگر اینکه اینجا مکرر گفته شود مأمورین ما که در خارجه تحصیلاتی کرده اند و اطلاعاتی حاصل نموده اند باید تشریف بیاورند و از اطلاعات و قوانینی از ممالک متمدنه اتخاذ کرده اند بیایند و در اینجا هم یک ادارات تأسیساتی تشکیل بدهند و باز بروند برای این کار آید و ماه و سه ماه کافی است خبر بلکه حد اقل یکسال است که در لایحه ذکر شده والا اگر کمتر از یکسال باشد نوری ندارد

رئیس - آقای گروسی (اجازه)

حاج شیخ محمد حسن - مطالب بنده را آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه) امین الشریعه - بنده چنانکه در شور اول هم عرض کردم اساساً با صدور

ذیل این ماده مخالفم

ارلا آقایان نمایندگان تصدیق می فرمایند که حیثیات قانون را باید بیش از همه چیز محفوظ و منظور داشت و حیثیات قانون وقتی محفوظ می شود که قوانین را از روی یک نظریات اساسی و فلسفه اجتماعی و منافع عمومی که در مملکت ایجاد می شود وضع کرده و برای رفع منظور قانون نمی شود وضع کرد رفع منظور و موانع را باید بتوسط قوه مجریه کرد و اگر برای رفع منظور قانون وضع کنند حیثیات قانون را تضییع کرده اند و موجب و هن قانون است و شاید اگر برای رفع منظور قانون وضع کنند ممکن است منظور دیگری تولید شود یا همان منظور را زیادتر بکنند و اما اینکه فرمودند بیایند ایران و از اطلاعاتشان استفاده هائی می شود خیلی محل تعجب است اما اینکه بمأموریت خارجه میروند اولاً باید فهمید چه قسم اطلاعات تحصیل می کنند پس از آنکه اطلاعات آنها در ظرف چهار پنج سال تکمیل شد تازه متفحص باین عمل خواهند شد و باید مأموریتشان در این جا ادامه پیدا کند مثلاً اشخاصیکه از مدارس بیرون می آیند تازه هر کدام از آنها باید بمدارس علمی و فنی بروند بعد از آنکه از مدرسه علمی و فنی بیرون آمدند آنوقت صاحب آن حقوقیکه در خور آنها است خواهند بود و آنوقت می شود از آنها استفاده برد پس این فلسفه دلیل نمی شود بلکه دلیل بر عکس است دیگر اینکه گفته شد بعضی از مأمورین بواسطه طول اقامت در خارجه یک عادات و تربیات روحیه و اخلاق داخله و از عادات و تربیات روحیه و اخلاق داخله مملکت خود بی اطلاع شده اند آنهم خیلی محل تعجب است مگر تصور شود آنهایی که در خارجه مأموریت دارند بدمای و میل خودشان مشغول عملیاتی خواهند بود هر مأموری که بفکر میل و دماغ خودش بخواند اجراء خیال خود را پیدا کند باید او را برداشت و اگر از او امر دولت و وزارت متبوعه خودش نبرد می کند باید او را معزول کرد و نباید یک قانون برای این کار وضع کرد مأمور دولت در هر کجا باشد چه در داخله و چه در خارجه مکلف است موافق تعلیمات مافوق خود رفتار کند و مافوق مأمورین سیاسی و وزیر خارجه است هیئت دولت است هیئت دولت در کجا است در مرکز ایران بهترین اشخاصی که از تربیات و تغییرات و تبدیلات داخله و خارجه بخوبی مستحضراست دولت است و آن مأمور هم نوکر دولت است دولت باید از اخلاق روحیه مملکت مستحضراست دولت باید افکار عمومی را درست داشته باشد و آنچه را که دولت فهمید و تکلیفش را دانست و سیاست خارجیش را معرّز کرد مطابق آنچه که فهمیده است بنو کرهایش تعلیم می دهد دستور می دهد

و آنها هم مکلف هستند رفتار کنند میفرمایند بیایند آنجا از اوضاع داخلی مملکت مطلع شوند اوضاع داخلی بر فرض اینکه خوب هم نباشد بهیچوجه مدرك عمل آنها نخواهد شد باید دولت بآنها يك تعلیمات و سیاستی القاء نماید موافق آن عمل نمایند تعلیمات سیاسی برای آنها خیلی اهمیت دارد و آنها هم مجبورند موافق آن تعلیمات رفتار کنند و اگر رفتار نکنند باید آنها را برداشت ولی چیزی که خیلی اهمیت دارد این است که دولت باید سیاست خود را همیشه در نظر گرفته باشد و بمأمورین خودش تعلیمات بدهد و آنها هم اجراء کنند بملاوه این قانون برای ماضی دارد خودش در کجا است در این است که دولت باید در امور خود خاصه راجع سیاست خارجه و مأمورین خارجه صاحب اختیار باشد و اگر این قانون بگذرد و مضراست و بنده مخالفم زیرا اختیارات دولت را محدود می کند شاید يك وقتی دولت لازم بداند در موقع مهمی یکی از مأمورینش را که در آن نقطه هست بماند تا از او استفاده بکند یا يك مقصود مهم دولت را بعمل آورد ولی مطابق این قانون باید او را بخواند و یکسال هم در ایران بماند آن وقت ممکن است آن سیاست بکلی از میان رفته و نتیجه عاید دولت نشود

پس دولت باید مختار باشد خاصه در امر سیاست خارجه که ابداً نباید محدود باشد بعد از آنکه دولتی محل اعتماد ملت شد این مرحله است که تمام سعی ها و وقت ها باید در این مرحله بشود و با اعتماد ملت انتخاب شد دیگر نباید او را در تعلیمات خودش محدود کرد باید مختار و آزاد باشد خاصه در انتخاب مأمور و غیره و اگر مختار نباشد آنوقت آنچه را که منتظرند و منتظریم انجام نمی گیرد و خیلی ضرر های دیگر هم از این قانون تولید می شود که فعلاً حاجت نمی دانم عرض کنم

مخیر - بنده اولاً عرض می کنم خیلی متأسفم که در موضوع این قانون يك توضیحات و دلالتی دارم که اگر عرض کنم کمان می کنم موافق شوند ولی در این موقع نمی توانم کاملاً عرض کنم

اما اینکه می فرمایند مأمورین که میروند چهار پنج سال میمانند تازه متفحص می شوند آنوقت دولت آنها را احضار می کند بنده عرض می کنم مأمورین سیاسی باید قبل از رفتن بمأموریت متفحص باشند و بروند بخارجه

مأمورین سیاسی اهم از روساء یا مرسومین هر کدام موافق شغل خود باید سوابق خدمت و اطلاعات کامل داشته باشند و از سیاست مملکت هر کدام بر آخور شغل خود مستحضراست تا در خارجه بتوانند آن سیاست را حفظ کنند

معدالت اگر ملاحظه بفرمائید در تمام ممالك خارجه بعضی تغییر سیاست مملکت

فورا مأموریتشان هم که در خارجه اقامت دارند تغییر می کند و هیچکدام در مأموریتشان باقی نمی مانند دولت امریکا بعضی اینکه رئیس جمهوری عوض می شود تمام مأموریتش هم عوض می شوند ولی مملکت ما شکل فریبی است از عهده استبداد تا حالا که حکومت شوروی و ملی است و مجلس شورای ملی دایر شده است مأمورین ما همان طبقه هستند که در زمان استبداد بوده اند و هیچ سیاست ما در خارجه تغییر نکرده بهمین علت است که سیاست خارجی ما بر همان اساس قدیم می گردد صحیح است برای این است که مأمورین ما باید تغییر نکرده اند در صورتی که اگر مادر خارجه مأمورینی داشتیم که آشنا با اوضاع امروز بوده اند خیلی وضع سیاست خارجی ما بهتر از امروز بود می فرمائید يك مأموری شاید خیلی خوب کار کرده باشد و در يك موقعی ممکن است دولت لازم بداند او در آن نقطه باشد و یا يك امر سیاسی مهمی پیش بیاید یا چندین هزار اگر دیگر يك همجو مورد غاذا نادری پیش بیاید و اهمیت فوق العاده داشته باشد البته دولت در آن موقع می تواند از مجلس شورای ملی درخواست نقض این قانون را بکند نه آن مأمور در خارج بماند ولی بشما قول می دهم که باین زودیا همجو موقعی پیش نخواهد آمد

و اما مدت ۵ سال هم مافوق مدنی است که برای توقف آنها منظور شده است و لازم است بعد از ۵ سال بیایند در مرکز و یکسال هم در مرکز بمانند و با آنها مذاکراتی بشود و از اوضاع مطلع شوند ملاحظه بفرمائید این سفراتی که از خارجه بطهران آمده اند بندرت اتفاق افتاده است که بعضی از آنها يك مدت مدیدی در ایران بمانند و وقتی هم که مانده اند در هر دوسه سالی يك مدت کثرت داشته اند که بمملکت خودشان بروند و از سیاست و احوال روحیه مملکت و ملت خودشان مطلع شوند و برگردند آیا این ملاحظات را ما هم کرده ایم خیر ما مأموری داریم که بیست سال در يك نقطه مانده است و شاید از بسکه مانده است خودش هم نمی داند مأمور کجا است آقای محقق العلماء فرمودند یکسال برای توقف در مرکز زیاد است عرض می کنم اینکه نایکسال قرار داده ایم و کمتر فرار نداده ایم برای این است که اولاً يك خرج سفری که از دولت می گیرند بیایند اقلاً یکسال در آنجا باشند و اساس و اوضاع مملکت را دیده و دوباره برگردند و دو سه ماه برای اینکار کافی نیست و آنکه دو سه ماه برای باز بدست کم است تا چه رسد برای اطلاع از اوضاع و سیاست مملکت بنا بر این مطالبی که عرض شد عجلالتان این قانون بر حسب احتیاج مملکتی نوشته شده است البته بنده عرض نمی کنم که این قانون يك قانون خیلی مهمی است و با تمام اصول و قوانین ممالك

متدنه موافقت دارد خیر اینطور نیست ولی قوانین هر مملکتی موافق ضروریات و احتیاجات آن مملکت نوشته می شود گفته شد صبیح است و امروز موافق تجربیات حاصله وضع این قانون برای مالازم است شاید چهار پنج سال دیگر دولت دید که رفع محظور شد و دیگر وجود این قانون لازم نیست آنوقت بمجلس پیشنهاد می کند و مجلس آنرا نقض میکند.

رئیس - مذاکرات کافی نیست گفته شد کافی است

رئیس - ماده اول مجدداً قرائت می شود بعد رأی می گیریم

(آقای امیر ناصر ماده اول را بشرح آتی قرائت نمودند)

ماده اول - مدت مأموریت کلیه مأمورین سیاسی و قنصلی دولت علیه ایران در ممالک خارجه باستثنای مأمورین افتخاری نباید از پنج سال تجاوز نماید و در انقضای این مدت مأموریت مجدد آنها بخارجه منوط است لااقل یکسال در ایران توقف کرده باشند

رئیس - رأی می گیریم آقایان که ماده اول این لایحه را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم خوانده شد

(آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده دوم - کلیه مأمورین دولت ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از پنج سال در خارجه مأموریت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود

مخبر - بعد از لفظ مأموریت واقامت اضافه شده بهتر است

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - در ماده دوم نوشته است کلیه مأمورین ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود .

بنده خواستم بفهمم که تاریخ وضع این قانون چه وقت است البته وقتی است که از مجلس بگذرد و تاریخ جریان آن چه وقت است ؟ وقتی است که بامضاء برسد یا بمضی ترتیبات دیگر و باصلاح تاریخ وضع قانون موقعی است که از تصویب مجلس بگذرد و آن وقت با آن یکسانی که در ماده سوم مهلت داده اند مناقصت پیدا میکنند بنده نمی دانم از موقعی که این قانون از تصویب مجلس گذشته يك سال بآنها مهلت داده می شود یا از وقتی که بموقع اجرا برسد خوب است آقای مخبر توضیح بدهند تا بنده بتوانم درست رأی بدهم و نیز خواستم سؤال کنم که آیا

پس از اتمام مدت ۵ سال تماماً فوراً احضار می شوند یا متدرجاً و آیا این مسئله اسباب تعطیل سیاستمان نمی شود

مخبر - بنده که درست مقصود آقای آقا سید یعقوب را درست ملتفت نشدم ولی در ماده سوم حاکی جواب يك قسمت از فرمایشات ایشان است در ماده دوم می نویسد کلیه مأمورین دولت ایران که در تاریخ وضع این قانون بیش از ۵ سال در خارجه مأموریت داشته اند مشمول ماده اول خواهند بود یعنی اگر ۵ سال تمام شده باشد باید بیایند بر کزو یکسال توقف کنند و اما اینکه می فرمایند تاریخ وضع این قانون آیا با موقع اجرای در یکزمان خواهد بود ؟

مطابق قانون اساسی هر قانونی را که مجلس وضع کرده هیئت دولت باید آنرا بموقع اجرا بگذارد و پس تاریخ وضع و اجرای این قانون همان تاریخی است که از مجلس می گذرد و جواب قسمت اخیر از فرمایشات ایشان هم در ماده سه نوشته شده است که رسماً فوراً و مأمورین دیگر پس از یکسال باید بیایند

رئیس - آقای میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

میرزا سید حسن - بنده کاملاً با این ماده موافق هستم که مأمورین دولت از خارجه بیایند دولت از اطلاعات و تحصیلات آنها استفاده بکند و نباید مانند آنها در خارجه طول بکشد که از اوضاع و سیاست مملکت خود بی اطلاع شوند دولت هم از آنها استفاده بکند بنا بر این با این ماده موافق هستم که مدت توقف آنها در خارجه محدود کرده که بیایند و مدت معین در مملکت خودشان بمانند که از اوضاع مطلع شوند... بعضی اظهار نمودند این راجع به ماده اول است و مذاکرات در باره دوم است.

آقا میرزا سید حسن - بنده هم در ماده دوم عرض میکنم باید اشخاصی که ۵ سال در خارجه اقامت داشته اند احضار شوند و کسان دیگر عوض آنها بروند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده در کلیات عرض دارم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی مخالفند ؟

حاج میرزا مرتضی - بلی

رئیس - بفرمایند

حاج میرزا مرتضی - بنده خیلی تعجب میکنم از این ماده که بحال شنبه نشده که يك قانون وضع شود و حکم

بمابق بکنند و شامل ماقبل خودش باشد امروز ما می خواهیم قانون وضع کنیم که شامل ده پانزده سال هم بشود مثلاً امروز مالیاتی وضع می کنیم که شامل ده سال قبل هم خواهد بود خیلی محل تعجب است چگونه می شود به مؤدیان مالیاتی گفت که باید از ده سال قبل مالیاتی که شما تا زده وضع کرده ایم بپردازند همین طور سایر قوانین و ابداً بنده تا بحال نشنیده ام که قانونی وضع کنند که شامل ماسبق خود هم بشود بنا بر این بنده از این نقطه نظر با این ماده مخالفم و عقیده ام این است قانونی که امروز وضع می شود امروز باید بموقع اجرا گذاشته شود نه از ده سال قبل

مخبر - متأسفانه آقای حاج میرزا مرتضی درست بداخل مطلب توجه نفرمودند و درست بمعنی عطف ماسبق بر نغز دارند و هیچ در اینجا مورد ندارد زیرا ماده اول می گوید مأمورینی که بخارجه میروند بموجب این قانون باید بعد از پنج سال احضار شوند و در این جا هیچ عطف بماسبق هیچ مورد ندارد و این ماده می گوید آنهایی که تا بحال ۵ سال مانده اند امروز باید احضار شوند و هیچ عطف بماسبق ندارد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا موافقت ؟

محمد هاشم میرزا - بلی عرض کردم موافقم

رئیس - به بخشید آقای سید علی الملک

(اجازه)

سید علی الملک - عرض بنده که جواب آقای آقاسید یعقوب بود آقای مخبر بیان فرمودند

رئیس - آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب - عرض ندارم

رئیس - مذاکرات کافی است اظهار نمودند کافی است

رئیس - رأی میگیریم به ماده دوم آقایانیکه ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - لفظ واقامت که آقای مخبر فرمودند بعد از لفظ مأموریت اضافه شود اضافه شد و همین ترتیب هم رأی گرفته شد ماده سوم

رئیس - آقای امیر ناصر ماده سوم را بمضمون ذیل قرائت نمودند

ماده سوم - وزیر امور خارجه مأمور است که مفاد دوماده فوق را نسبت به سفراء و وزراء مختار و مقیم و ژنرال قنصل های دولت علیه فوراً و بسایر مأمورین از تاریخ وضع این قانون منتهی در ظرف يك سال بموقع اجرا گذارد

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده باین لفظ فوراً که در این ماده نوشته شده مخالفم و عقیده ام این است که سه ماه باید وقت قرار داده شود همین طور هم پیشنهادی کرده ام .

رئیس - همین پیشنهاد را هم آقای زنجانی کرده اند محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - در این ماده مخالفت بنده برای این است که اشکالی که آقای دولت آبادی کردند وارد است برای اینکه اگر لفظ فوری باشد ممکن است نام سفراء و نواب و شارژدار و غیره بکمر تبه بیایند و در سفارت کسی نماند و اگر این پیشنهادات آقایان زنجانی و رئیس التجار قبول شود عرض ندارم الا در اجرای آن تصور می کنم اشکال پیش بیاید بنده مخالفم

رئیس - دو فقره پیشنهاد از طرف آقایان زنجانی و رئیس التجار رسیده است قرائت میشود

دو فقره پیشنهاد فوق را آقای امیر ناصر بمضمون ذیل قرائت نمودند

بنده پیشنهاد میکنم در ماده سوم عوض لفظ فوراً تا سه ماه نوشته شود

آقا شیخ ابراهیم زنجانی بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم این قسمت نوشته شود :

وزیر امور خارجه مفاد دوماده فوق را نسبت به سفراء و وزراء مختار و مقیم در ظرف سه ماه و نسبت به ژنرال قنصل ها و سایر مأمورین در ظرف یکسال از تاریخ وضع این قانون بموقع اجرا خواهد گذاشت .

رئیس التجار

رئیس - آقای زنجانی توضیح بدهند .

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - عرض می کنم اولاً لفظ فوراً هیچ حدی ندارد و خیلی اسباب زحمت است اگر مثلاً بعد از ده روز هم مأمورین را بخواهیم احضار کنیم نمی توانیم چه رسد بفوری فوراً چیز ناصحیحی است تا هوش آنها را تهیه کنند و مطارج سفر آنها را بدهند اگر در ظرف سه ماه هم انجام بدهند باز هم خیلی خیلی خوب است و باید آنها خیلی هم تعجیل کنند و لفظ فوراً خیلی مشکل است و ابداً این مورد ندارد و این است که بنده پیشنهاد کردم نوشته شود در ظرف سه ماه

رئیس - آقای مخبر در این باب چه می فرمایند

مخبر - ضرر ندارد نوشته شود منتهی در ظرف ۳ ماه

(گفته شد صحیح است)

رئیس التجرار - بنده هم بایشان
آقای زنجانی موافق میشوم و پیشنهاد خود
را مسترد میدارم

رئیس - آقای زنجانی قانع
شدید ؟

آقای شیخ ابراهیم - بلی منتهی
در ظرف سه ماه خوب است و مقاصد
می شود .

رئیس - این ماده با اصلاحی
که آقای مهبر کردند قرائت می شود بعد
رای می گیریم

آقای امیر ناصر بشر ذیل
قرائت نمودند

ماده سوم - وزیر امور خارجه مأمور
است که از تاریخ وضع این قانون مفاد دو
ماده فوق را نسبت به سفراء و وزراء مختار و
مقیم و ژنرال قنصل های دولت علیه منتهی
در ظرف سه ماه و نسبت به سایر مأمورین منتهی
در ظرف یک سال بموقع اجرا گذارد
رئیس - آقای نصیر السلطنه

(اجازه)

نصیر السلطنه - خوب است این
طور اصلاح شود نسبت به سفراء و وزراء
مختار و مقیم و ژنرال قنصل های دولت علیه
ایران تا سه ماه و سایر مأمورین از تاریخ وضع
این قانون منتهی در ظرف یک سال بموقع
اجرا بگذارد

این قسم همان اصلاح آقای مهبر
است و تفاوتی ندارد فقط برای اینکه لفظ
(منتهی در ظرف) تکرار نشود بهتر
است

(گفته شد صحیح است)

رئیس - ماده سوم با این اصلاحی
که شد قرائت می شود و رای می گیریم
(آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

ماده سوم - وزیر امور خارجه مأمور
است که از تاریخ وضع این قانون مفاد دو
ماده فوق را نسبت به سفراء و وزراء مختار و
مقیم و ژنرال قنصل های دولت علیه در
ظرف سه ماه و نسبت به سایر مأمورین منتهی
در ظرف یک سال بموقع اجرا بگذارد

رئیس - رای می گیریم به ماده
سوم آقایانی که تصویب می کنند قیام
فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکرات در
کلیات است آقای اقبال السلطان
(اجازه)

اقبال السلطان - معسرر گفته
شد قوانینی که مجلس شورای ملی وضع
می کند قابل تغییر و تفسیر و نقض و حذف
است و برای علت همینقدر گفته شده مقتضیات
سیاست مملکت در بعضی مواقع ایجاب می
کند که يك قانونی را حذف یا يك موادی را
تغییر دهند با اشکالاتی که در طرز معنی

ماده پیش می آید رفع کند ولی آن علت
اصلی است که موجب حذف مواد قانون
و تغییر مواد می شود گفته نشد و
آنوقت نظر و هوش و ذکاوت فطری آن
اشخاصی است که کرسی پارلمان را اشغال
میکنند که در يك ماده از قانون اعتراضاتی
میکنند و ادلیل حذف او را پیشنهاد میکنند
و این قانونیکه ما فعلا وضع میکنیم چون
بطوریکه لازم است در اطراف او دقت
بعمل نمی آید و يك نظریات خصوصی در
کار است که وضع يك قانونی را ایجاب میکند
و ما با این نظریات خصوصی میخواهیم این
قانون را وضع کنیم لذا در آیه چهار
مشکلاتی خواهد شد که شاید بعضی این قانون
را بمجلس دیگر پیشنهاد کنند آنچه که از
زمینه مذاکرات فهمیده شد

علت وضع این قانون برای تنبیه
بعضی از مأمورین است که يك پشتیبانی
کرده اند و حالا مطابق این قانون میخواهند
از آن تشبثات جلوگیری کنند و بنده عقیده ام
این است که باید يك قانونی وضع شود که
اصلا تشبثات نشود و مأمورین نتوانند تشبث
نکنند باید فهمید که این تشبثات برای چه
پیش میاید برای این است که مأمورین و
منتظرین خدمت در دوائر دولتی مابیش از
حد لزوم است و هر کدام از آنها بنوبه يك
کاری یا يك مأموریتی می دهند و آنها
بزحمت يك مقامی را بدست می آورند وقتی
که آن مقام را بدست آوردند حتی الامکان
سمی و کوشش میکنند که آن مقام را برای
خود نگاهدارند حق هم دارند آن کار را
بکنند بجهت اینکه وقتی بآنها تغییر مأموریت
دارند بدانند که چند سال دیگر باید بیکار
و منتظر خدمت باشند تا نوبت مأموریت
جدیدی پیدا کنند

پس بعضی این است که هر کاری به
آنها رجوع می شود حتی الامکان بهر طریقی
که شده تشبثات میکنند و آن شغل را برای
خود نگاه می دارند که يك مدت مدیدی
سرگردان نباشند اگر پرسفل وزارتخانه ها
مرتب بود هیچوقت از این تشبثات نمیشود
وفلان مأمور دولت را وقتی می خوانند و
می گفتند از این مأموریت بفلان مأموریت
برو دیگر ابدأ از این تشبثات نمی کرد اگر
مأمورین را مطابق اصول معینی عزل و نصب
می کردند هیچوقت از این تشبثات نمی شد اگر
مأمور را برای علت و جرم معینی بغوانید
عزل کنند هیچ جا نمی تواند تشبث بکند و
اگر هم بکند بآن طرف مقابل هر کس که
باشد وقتی گفتند که این مأمور در مأموریت
خودش خیانت کرده و باید عزل شود البته
آن واسطه هم هیچوقت از آن مأمور
حمایت نخواهد سکرد و ابقای او را ابدأ
پیشنهاد نخواهد نمود
و تنبیه پرسفل وزارتخانه ها مرتب باشد

صحیح باشد و مأمورینیکه بخدمت میروند
خدمات آنها را رعایت کنند هیچوقت دچار
این مشکلات نخواهیم شد که يك قانون
وضع کنیم تا توسط آن قانون مأمورین
خود را تغییر بدیم تغییر مأمورین بعهده وزیر
است و وزیر مسئول است و وزیر مسئول هر وقت
میل دارد و صلاح میدانند مأمورین خودش
را تغییر می دهد

مثلا مأمور شیراز را بکرمان میفرستند
یا مأمور خراسان را باذربایجان روانه
می کنند مأمور را که بغواهد باید بتواند
تغییر بدهد من مخالفت با این مطلب ندارم
که مأمورین سیاسی نباید ده سال در يك
محل باشند

خبر باید مأمورین سیاسی را چند
وقت بچند وقت تغییر بدهند و همچنین
مأمورین داخله را هم باید هر چه بچند وقت
تغییر بدهند از این محل بآن محل و بکمدت
زیادی در يك محل معین نباید بمانند در این
موضوع ابدأ مخالفت ندارم ولی برای این
تغییر مأموریت لازم نمی دانم يك قانونی
وضع کرد این حق وزیر است یعنی هر وقت
وزیر مسئول صلاح بداند که يك مأمور در
يك مملکت خارجه یا در يك ولایت بیست
ساله بماند تا از او استفاده حاصل بشود
یا اگر مقتضی می داند از این محل بآن
محل تغییر مأموریت بدهد پس وزیر در این
قبیل امور باید مختار باشد و نباید يك قانون
برای ابتکار وضع نمود چون این قانون
تولید اشکال برای وزیر میکند زیرا که
جلوی وزیر را در اختیاراتی که دارد میگیرد
و بنده عقیده ندارم که مأمورین دولت نه در
داخله و نه در خارجه تشبث بنمایند باید
این را دست کرد که تشبث بعمل نیاید آن
مأمور هم تا يك اندازه معنی است که تشبث
بکند زیرا شغلش معلوم نیست البته اگر شغلش
معلوم باشد هیچوقت تشبث نمی کند

رئیس - آقای مستشار السلطنه
(اجازه)

مستشار السلطنه - عرایض بنده
گفته شد

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
بالایحه موافق هستند ؟

حاج میرزا علی محمد - با لایحه
موافقم ولی يك چیزهایی می خواهم بر این
لایحه اضافه کنم ولی در اصل لایحه مرضی
ندارم

رئیس - بفرمایید
حاج میرزا علی محمد - يك
چیز را باید در این لایحه ملاحظه کنم که
يك جنبه اقتصادی دارد و آن این است که
قطع نظر از مأمورین دیپلماتی بکند يك
عده اشخاص مزدور از قبیل منشی یا مترجم
فرش پیشخدمت قراض و غیره در سفارت
خانه های ما در خارجه هستند که آنها را

اساساً نمی توان در زمره مأمورین دیپلماتی
دولت شمرده زیرا که آنها از دائره سیاست
خارجه و بعقیده ما بنده در این ماده باید
فید شود که آنها از این ترتیب و از این قانون
مستثنی هستند زیرا باین ترتیب که فعلا نوشته
شده آنها هم مشمول این لایحه قانون خواهند
بود و چون آنها مواجب کراف و زیادی
ندارند نباید آنها را مجبور کرد با وطنان
خود هودت گردد و مدتی بیکار باشند در
هر حال بعقیده بنده باید تصریح شود آنها
از این قانون مستثنی هستند

مخبر - يك طبقه از مأمورین که
داخل در سیاست نیستند از قبیل فرش و
پیشخدمت هیچوقت از مرکز فرستاده نمی
شوند و از اهل محل هستند

ولی یکمده دیگر از قبیل مترجم
و منشی آنها جزو مأمورین سیاسی و جزو
کاربر اداری هستند مثلا نایب و سکرتر
منشی يك سفارتخانه را نمی توان جزو مزدور
حساب کرد زیرا آنها مأمورین رسمی و
سیاسی وزارتخانه هستند و بنابراین باید
این قانون شامل آنها هم بشود

(گفته شد صحیح است)

رئیس - آقای شیخ اسدالله
(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده
موافقم
رئیس - آقای حائری زاده
(اجازه)

حائری زاده - چون شود در
کلیات است بعقیده بنده خوب وزیر خارجه
هم در مجلس حضور داشته باشد که با
حضور ایشان این قانون تصویب شود چرا
که این قانون را باید دولت اجرا کند حالا
اگر دولت در کمسیون با جاهای دیگر در
این باب اظهار عقیده کرده است بنده اطلاع
ندارم

ولی در شور اول وزیر خارجه در مجلس
حضور نداشته و حالا هم که شور دوم است
حضور ندارند اگر این قانون بدون حضور
ایشان خاتمه پیدا کند شاید عملی نباشد آن
وقت فایده برای ما نخواهد داشت زیرا
ما قانون را برای اجرا شدن انشاء میکنم
نه بطور مرامنامه از این جهت بنده عقیده
دارم که در این موقع آقای وزیر امور خارجه
هم باید در مجلس حضور داشته باشند با
حضور ایشان این قانون ختم بشود

بطوریکه در شور اول عرض شد این طرح
قانون را که پیشنهاد کردند بدو ایهیست دولت
مراجعه شود و پس از ملاحظه و دقت نظر
ایشان بکمسیون آمد و در کمسیون خارجه
هم آقای وزیر امور خارجه تشریف داشتند
و موافق بودند گفته شد مذاکرات در این
موضوع کافی است

رئیس - رای می گیریم
مخبر - با اصلاح عبارتی که بنده
کرده ام

رئیس - آقای مغیر پیشهاد میکنند در ماده اول بجای عبارت کرده باشد لفظ (کنند) نوشته شود با این اصلاح عبارتی کسی مخالف نیست (اظهاری نشد)

رئیس - رأی می گیریم بکلیه این لایحه و طرح قانونی آقایانی که این طرح قانونی را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

آقای شیخ الاسلام ملایری پیشنهاد کرده اند اعتبار نامه آقای حاج مغیر السلطنه جزو دستور شود مخالفی هست یا نه

(گفته شد خیر)

رئیس - آقای سلیمان میرزا

سلیمان میرزا - البته آقایان فراموش نفرموده اند در موقعی که آقای حاج مغیر السلطنه تشریف نداشتند و اعتبار نامه ایشان در مجلس مطرح شد بنده مطالب اظهار کردم که برای اطلاع از صحت و سقم آنها نظر به پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا مجلس رأی داد که مسئله اعتبار نامه ایشان مسکوت عنه باشد تا خودشان تشریف آورده و از خود دفاع نموده برائت ذمه خودشانرا حاصل نمایند در هر حال اگر لازم است بنده آن مذاکرات سابق را مجدداً تکرار می کنم که ایشان اگر دفاعی دادند از خود بفرمایند تا پس از اطلاع به مسائل که ایشان در ضمن دفاع خود بیان خواهند فرمود و نظریات آقایان و کلام هم معلوم شود بهر حال بنده مطالب گذشته خود را بطور فهرست یادآوری می کنم یکی از اصول مسلمه که هیچ قابل تردید و محال انکار نیست این است یا در مملکتی که حق شناسی و پاس خدمت معمول و حکمفرما نباشد در جامعه که هیچوقت حسن قدرشناسی و رعایت خدمات اشخاص متداول نیست در آن مملکت و محیط هیچوقت اشخاص درست و صحیح العمل پیدا نخواهد شد اگر حق شناسی و حسن قدردانی در مملکت ما وجود داشت این مطلب امشب در اینجا مطرح نمی شد و قدر فدا کاری اشخاص صالح هم بهر نیرفت بنا بر این بنده در این مجلس بیاس حفظ حقوق عمومی و بالاخص خاص کسانی که در راه مشروطیت و اساس آزادی و حریت و استقرار استقلال و امنیت خدمت ملت و جان فشانی در راه مملکت نموده اند خود را موظف می دانم که این هراض را عرض کنم در صورتی که بهیچوجه با شخص معترمی که طرف گفتگو و اعتراض من است سابقه سوئی نداشته بلکه بالعکس همه می دانند که نسبت بقامیل ایشان مخصوصاً مرحوم صنیع الدوله چه ارادت داشتیم اما در موضوع قانون و حفظ عمومی این حرفها نیست اشخاصی که از وقایع آذربایجان اطلاع دارند شخص آقای مغیر السلطنه را بقتل آدم بزرگی مثل مرحوم خیابانی که یکی از آزادیخواهان

و احرار معروف این مملکت بودند متهم می داند و بقول بعضی اشخاص دیگو وقتی وقایع آذربایجان پیش آمد آن دقت و ورسیدگی که ایشان باید در حفظ قبیله مرحوم بفرمایند نفرمودند این که شخص بزرگی مثل مرحوم خیابانی از بین رفت بنده گمان می کنم از نقطه نظر آزادی خواهی و اینکه شخص مقتول و کیل هم بوده باید بیشتر در کینه مسئله غور و رسیدگی کرد

(از طرف بعضی وکیل نموده اند)

سلیمان میرزا - گمان می کنم آقایان اطلاع داشته باشند که بنده در کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان حضور بوده و دخالت داشته ام دوسیه و راپورت های انتخابات را هم ملاحظه کرده ام ایشان در موقع انتخابات آذربایجان حاضر اکثریت بود و از طرف اهالی آذربایجان بسمت نمایندگی انتخاب شده بودند

رئیس - التجار - ولی قبول نکرده بودند

سلیمان میرزا - حالا قبول کرده یا نکرده بودند کاری ندارم در هر حال ایشان مانند همه مدعیان کاله ها از حوزه انتخابیه اکثریت داشتند و استخراج آراء و کالت هم باسم ایشان شده بود

(از طرف بعضی ها گفته شد)

صحب است

سلیمان میرزا - بنده که عرض کردم ایشان وکیل بوده اند مقصود این نیست که راپورت اعتبار نامه ایشان در شعبه یا در مجلس آمد و رد یا قبول شد آقایان با اکثریت قیام و قعود فرموده اند یا خیر عرض این است که در آن تاریخ اهالی آذربایجان قبیله مرحوم را برای وکالت خودشان معین کرده و با اکثریت درباره ایشان رأی داده بودند حالا قبول کرده یا نکرده است هیچ کدام معلوم نیست شما با کدام سند می فرمایید مرحوم خیابانی قبول نکرده بود هیچ معلوم نیست

بنده موافق اطلاعات خودم عرض می کنم ایشان با اکثریت اهالی آذربایجان برای عضویت و کالت در مجلس انتخاب شده بودند بنده صاف عرض می کنم که اگر ما حفظ حقوق خودمان را می خواهیم باید در این نوع مسائل از قبیل واقعه مرحوم خیابانی و مشارالیه دقت بیشتری معطوف کرده و تحقیقات کاملتری نمایم و نباید این نوع مسائل را بهمین سبلی و سادگی تلقی کرد من نمی دانم آزادی در این مملکت چه مقامی دارد پس از آنکه یک وکیل از یک حوزه انتخابیه انتخاب و برگزیده شد آنوقت کشته می شود آیا ما نباید تحقیق کنیم که بطور و بوجه جهت و برای چه کشته شده است یا در کدام محکمه محاکمه شده و حکم با اعدامش صادر شده است بعضی می گویند مأمورین بروی او هلیک کرده اند برخی دیگر می گویند که خودش انتحار نموده

است بسیار خوب! ما چه می دانیم کدام صدق و کدام کذب است ما باید اصل مسئله و کفایت را بدانیم والا بنده صاف عرض می می کنم که هر کس در قتل مرحوم خیابانی شرکت کرده باشد بنده او را از تمام حقوقات ملی و مدنی محروم می دانم چه رسد به اینکه رأی بدیم کرسی و کالت را اشغال کند در هر حال بعضی ها وقایع اخیر آذربایجان را که مهمترین آن قضیه قتل مرحوم خیابانی است که متنبه آقای مغیر السلطنه دانسته و اظهار میدارند که در زمان حکومت ایشان این سوانح بامر ایشان رخ داده است بنده از نقطه نظر آزادی خواهی همانطور در موقعی که بودجه از مجلس می گذشت به بانک بلند فریاد می زدم محمد علی شاه نباید دیناری از مالیه فقیر و معسر این مملکت مأخوذ دارد زیرا کسی که این مجلس را خراب و از گون کرد کسی که آزادیخواهان معروف از قبیل مرحومین جهانگیرخان آقا سید جمال آقا مرحوم قاضی و بالاخره ملک المتکلمین هارا کشته است استحقاق اخذ دیناری از صندوق این مملکت ندارد بنده بطوریکه وظیفه خود میدانستم آنروز فریاد زدم و نظریات خود را عرض کردم حالا اکثریت مجلس رأی داد دیگر به بنده مربوط نیست چه که بنده خود را مکلف به عرض آن هراض میدانستم زیرا با آنها قدم زده بودم و در موقعی که محمد علی میرزا این بهارستان را توپ بست و توقیف کرد با مرحومین جهانگیر خان و قاضی و ملک المتکلمین در همین فضا بودیم دیگر بنده از نظر آزادی خواهی حریت پروری خود را در نزد ارواح شهداء مسؤول نمیدانم ولی در هر حال و هر صورت مطیع اکثریت مجلس خواهم بود باری همان طور هم حالا قانون اساسی به بنده اجازه می دهد که نظر به پاس خدمات مرحوم خیابانی اینجا صاف و ساده عرض کنم آیا صحیح است آقای مغیر السلطنه در قتل قبیله مبرور که به قبیله بنده شهید شده است شریک بوده اند یا خیر؟ چون بنده خودم در طهران نبوده ام خبر صحیح هم ندارم بدیهی است و کلاء آذربایجان و اشخاصیکه در آن موقع در آذربایجان بوده اند از اجرای امر و حقیقت مسئله بهتر اطلاع دارند بنده آنچه را که عرض می کنم مسموعات است بالاخره باید معلوم و آشکار شده که مسؤول خون کسی که در ادوار مختلفه وکیل بوده و خدمت باین آب خاک کرده است چیست؟ باید فهمید چه شده است که در نتیجه حکومت ایشان چنین شخصی از بین رفته و کشته شده است بنده باز بدون ملاحظه عرض می کنم هر کس مبادرت باین امر ننموده باشد بنظر بنده محروم از حقوق ملی است و باید بهما که جلب شود حالا بنده در سایر مطالب دیگر داخل نمی شوم و شرح قضایائی که در مدت حکومت و

تصدی ایشان در آذربایجان بوقوع پیوسته باید آقایان و کلاء آذربایجان بیان فرمایند من جمله بنده شنیده ام پس از آن که تبریز گرفته و تسخیر شد و مرحوم خیابانی کشته شد جنازه آن مرحوم را جلو درب و نزاله کومه چندین ساعت متوالی برای استحقاف و توهین نگاهداشته اند فرضاً شخص مقتول جانی هم باشد ولی در تمام مذاهب و ادیان جسد مرده محترم است خوب شما بازنده من کار دارید ولی پس از آنکه روح از بدن من پرواز کرد و رخت بهالم دیگر بست (حالا آن روح خواه طیب و خواه خبیث قضاوت و تشخیص آن با خالق متعال و خداوند رحمن است جسد بیروح محترم است

فرض این است که شرعاً و اخلاقاً جنازه ملبت و جسد هر مرده گرامی است اگر این مطلب راست باشد بنده نمیدانم چرا آقای مغیر السلطنه مبادرت بچنین امری نموده اند و حقیقتاً نمیدانم چه معلومی برای این امر میتوان فرض کرد

این ترتیبی که ایشان اعمال و رفتار نموده اند مطابق مقررات کدام قانون است در این مملکت زنده که آسایش ندارد کافی نیست پس از مردن هم دست از جسم بیروح و جسد بیجان او بر نمیدارند! اگر این ترتیب راست باشد واقعا خیلی خوب حفظ حقوق مردم میشود باز بنده شنیده ام بعد از اینکه این قضایا رخ داد در موقع غارت شهر اهمال و مسامحه کاری در جلوگیری و منع از تجاوز و غارت شهر شده و در نتیجه از شهر تبریز بدبخت فلک زده که در تمام دوره مشروطیه غیر از غارت و صدمه اهالی بدبخت آنها نصیب و بهره دیگری نداشته چهارصد خانه غارت کرده اند

اهالی بدبخت تبریز و آذربایجان مجبور که در این مدت حیات آزادیخواهانه و احساسات حریت پرورانه خود را از دست نداده اند همه وقت در زیر آتش و فشار بوده و پاداشی جز سوختن نداشته اند بالاخره بعد از اینکه وقایع تمام شد و خیابانی بدبخت مقتول گردید بطوریکه عرض کردم جنازه آن مرحوم را جلو دارالحکومه گذاشتند که مردم بیایند و هبرت حاصل کنند و چند روز جنازه آن مرحوم باین حال باقی بوده است آقای مغیر السلطنه که در آن وقت حاکم و متصدی نظم حدود و ثغور آن سامان بوده اند خوب است اینها را توضیح بفرمایند تا صحت و سقم مطلب معلوم شود اما از همه آقایان انصاف می خواهم اگر این مطالب راست باشد و کسی مبادرت یا شرکت به چنین عملیاتی نموده باشد آساز و اراست که در این جا کرسی و کالت را اشغال کرده و حفظ حقوق قاطبه و جامعه ملت را بنماید بنده گمان نمیکنم چنین شخصی شایسته اشغال این کرسی و مسند در چند باشد زیرا

این شخص قبلاً امتحانات خود را داده و حفظ حقوق مردم را در ایام زمامداری و فرمانروائی خود نموده و حیات نوپروانه خود را بمنصب ظهور رسانیده است باری باندازه که بنده مسئولیت داشتم عرایض خود را عرض کردم و چون میخواهم رأی بدهم باید حقیقت مسئله بر بنده معلوم و مکشوف گردد تا بتوانم از روی تحقیق و صحت رأی بدهم حالا باز تکرار میکنم که منوط بنظریه اکثریت است البته هر چه اکثریت مجلس شورای ملی رأی بدهد مطاع و متبع است و چون بنده در این مسائلی که عرض کردم نظر شخصی و خصوصی با کسی ندارم و فقط مقصودم کشف حقیقت بوده است لذا مقتضی است که خود آقای مخبر السلطنه دفاعیات خود را کرده و اسنادیکه برای تبرئه خودشان لازم است ارائه دهند تا بنده هم قانع شوم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب هم مخالفند ؟

آقا سید یعقوب - بنده هم با مطالب حضرت والا موافقم

رئیس - آقای رئیس التجرار (اجازه)

رئیس التجرار - بنده کاملاً این فرمایش حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا را تصدیق دارم که می فرمایند باید حق شناس و قدر شناس بود و پاس خدمات کسانی را که باین آب و خاک از جان و دل خدمت کرده اند منظور داشت و در همان حال هم کاملاً معتقدم که باید اگر اشخاصی پیدا شوند که در مملکت اسباب اختلال نظم و استقلال مملکت را فراهم آورند اگر دولت مشروع اقداماتی برای قلع و قمع آن ها بنماید آن اقدام قابل تقدیر و تقدیس است و باید پاس خدمات آن دولت را هم منظور و ملحوظ داشت ولی بنده با دو قسمت از فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا مغالطه یک قسمت در اصل موضوع است که بمقتضای بنده بانجام مزایائی که برای اقدامات و خدمات اولیه مرحوم خیابانی قائل شدند باید عملیات اخیر و اقدامات بعد آن مرحوم را هم در نظر آورده و آنرا تحقیق نمود و معلوم کرد همانطور که حضرت والا فرمودند در آن موقع تشریف نداشتند و فرمایشی که فرمودند مسوغات بوده بنده هم در اینجا نبوده و عرایضی که عرض میکنم مسوغات و نشریات است ولی در هر حال هر دو طرف قضیه قابل تحقیق است و بنده هم با فرمایش حضرت والا که میفرمایند هر کسی در قتل مرحوم خیابانی شرکت داشته باید از حقوق مدنی محروم شود موافقم و ما باید ببینیم راه تحقیق این مسئله و این ادعای موهوم چیست بنده از تمام آقایان سؤال

میکنم آیا چه چیز بالاتر از این است که شخصی مثل آقای مشیر الدوله که مجلس به اتفاق اظهار اعتماد نسبت به ایشان کرده و با اکثریت تام درباره ریاست وزرانی معظم له رأی داده این مسئله را تکذیب فرمودند با اینکه ایشان قبل از ریاست وزرانی خودشان در ایامیکه سمت نمایندگی داشتند در آن شبیکه اگر نظر آقایان باشد همین مذاکره در این مجلس بمیان آمد ایشان در پشت همین کرسی نطق ایستادند و یک شرح مفصل و مبسوطی از اطلاعات خودشان بیان فرمودند و در قتل مرحوم خیابانی و بنا بر فرمایشات آقای مشیر الدوله که هیچکس نمی تواند منکر ملتخواهی و مشروطه طلبی ایشان بشود معلوم شد بعد از آنکه کابینه و نوق الدوله تغییر کرد و آقای مشیر الدوله رئیس الوزرا شد اولاً اقدامات مجدانه برای افتتاح مجلس فرمودند و ضمناً اقداماتی برای رفع غایبه آذربایجان مبذول فرمودند و نیز فرمودند که من هر چه خواستم مرحوم خیابانی را متقاعد کنم که اقلاً حاکمی که از طرف دولت دارد می شود بپذیرند ایشان راضی و متقاعد نشدند و صریحاً اظهار فرمودند که مسئله قتل مرحوم خیابانی ابداً بمیل دولت و امر آقای مخبر السلطنه نبوده و جداً نسبتی که به آقای مخبر السلطنه داده میشود تکذیب فرمودند

خوب ! حالا چه دلیل و چه برهانی و تحقیقی است بالاتر از فرمایش رئیس - الوزرا فعلی ما که آن شب مرات را مفصلاً بیان فرمودند اگر بگوئیم رئیس - الوزرا ما آن بیانات را ندانسته گفته اند آنوقت چه اظهار اعتمادی است که ما بایشان کرده ایم و اگر اظهار اعتماد ما بجا بود و ایشان را صادق میدانیم دیگر نباید تردیدی در صدق فرمایشات ایشان داشته باشیم و اما در موضوع و کالت مرحوم خیابانی که با سوء تفاهمی بین بنده و حضرت والا شده است ایشان فرمودند مرحوم خیابانی وکیل بود نه باین معنی که آن مرحوم از حوزه انتخابیه حائز اکثریت و سمت نمایندگی مجلس انتخاب شده بود نه در اینکه ایشان جزء و کلاه بود نه هیچ تردیدی نیست ولی حضرت والا نباید فراموش بفرمایند در موقعیکه اعتبار نامه آقای وحید الملک مطرح مذاکره و شور شد ایشان برای صحت انتخاب آقای وحید الملک مستهسک باین حد که مرحوم شیخ محمد خیابانی قبول و کالت نکرده بود نه ضمناً تلگرافی را که مرحوم خیابانی به شاهزاده محمد هاشم میرزا مغایره کرده

بودند سند و دلیل قرارداد در نتیجه مطلب بنده و دیگران هم موافق شده بو کالت آقای وحید الملک رأی دادیم بعلاوه نباید فراموش کرد که تمام مذاکرات مجلس در روزنامه طبع شد و در تمام نقاط اقطار ولایات ایران منتشر و توزیع می شود و اگر درست دقت کنیم خواهیم دید باینکه رئیس الوزرا وقت این مسئله را صریحاً تکذیب کرده اند چه تأثیرات سوئی از این مذاکرات در خارج و در سایر ایالات و ولایات منعکس می شود

خود این مذاکرات باعث تجری انزار و یاقیان ملک شده و آنان را در اعمال سهیه که حرکات باغیانه و نکوید خود بیشتر جسور و متجری میسازد زیرا فلان شخص یا فلان اشرا و جرامی بوشهر و سیستان که سابقه با خیالات آزادی خواهانه مرحوم خیابانی ندارد وقتی که این چیزها را خواند بغیال می افتد که دامنه شرارت و فساد و یاغی گری و ظلمیان و بالاخره جساد خود را وسعت بدهد آنوقت از دو حال خارج نیست یا غالب است یا مغلوب اگر غالب شد که معلوم است هر چه میخواهد میکند و اگر مغلوب شد مطمئن است که کسانی در مجلس هستند از او دفاع می کنند آنوقت مثل مسئله شاهزاده عین الدوله می شود که مامورین دولت میروند و آنهارا راه نمیدهند و اگر واقعه خراسان و گیلان را قوام السلطنه و آذربایجان را مشیر الدوله اصلاح نکرده بودند آنوقت ملاحظه میفرمودید کار ایران بکجا منجر میشد مسلماً هرج و مرج تمام ایران را فرا میگرفت

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم

رئیس - بفرمائید
سلیمان میرزا - گمان میکنم آقای رئیس التجرار اشتباه فرموده باشند ایشان فرمودند در موقعیکه بنده جزء کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان بوده ام و هم اظهار کرده که مرحوم خیابانی قبول و کالت نکرده اند لکن گویا فراموش فرمودند تلگرافی که از طرف مرحوم خیابانی بشاهزاده محمد هاشم میرزا مغایره شده بود و بنده در این جا ارائه دادم و همجو اظهار کردم که ما سند قاطعی در رد و قبول و کالت مرحوم خیابانی درست نداریم و فقط یک تلگراف جوابیه است که در مقابل تلگراف تبریک از طرف دیگران بشاهزاده محمد هاشم میرزا مغایره کرده است و راجع بمقتضای شخص خودش که آتشخصاً قبول و کالت کرده است یاخیر هیچ اظهاری نکرده است از خود آن مرحوم هم که نمی شود قفلان تحقیق کرد که تو قبول و کالت کرده یا نه و هیچ سندی در دوسیه نیست که حاکی باشد از اینکه مرحوم خیابانی قبول و کالت کرده است یا نه غرض بنده این بود که جریان کار این طور است و الا بنده عرض نکردم مرحوم خیابانی قبول

وکالت نکرده اند و با مطالب دیگری هم هم هست که اجازه خواسته ام و در موقع خودش عرض خواهد کرد

رئیس - جمعی از آقایان اجازه خواسته اند و خود آقای مخبر السلطنه هم در مرتبه هشتم از آن اشخاصی هستند که اجازه خواسته اند ولی بنده گمان می کنم در این موقع خود ایشان بر سایرین مقدم باشند (از طرف و کلاه گفته شد)

رئیس - آقای حاج مخبر السلطنه (اجازه)

حاج مخبر السلطنه - بنده اجمالاً آنچه را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند تکذیب می کنم حالا برویم سر مسئله ایشان فرمودند باید سیاستگذار بود و نسبت به خدمات اشخاص صالح قدر شناس حق شناس بود اگر مردم دیگر بعرف آزادیخواه بوده و بعرف اقدامات مشروطیت طلبانه نموده اند من آدمی هستم که آنچه تا کنون کرده ام تمام عملی بوده است انتخابات دوره اول مجلس شورای ملی را من کردم آقای مشیر الدوله در دوشان تپه وارد شدند و فرمودند حاکم طهران نمی فهمد انتخابات طهران را چطور انجام دهد باید حاشیه برای آن نوشت من حاشیه نوشتم و گفتم میروم که انتخابات را انجام دهم و در آن روزی که خیلی خطرناک بود این کار را کردم و در عمارت مدرسه نظام که فعلاً عدلیه است انتخابات را بچوب و بزور خودم انجام دادم در حالتی که هش نفر در اطاق نشسته بودند و حکم قتل و اعدام مرا می دادند آقایان اگر من آنروز شخصاً انتخابات را انجام نداده بودم اگر چه حاجه با علماء نکرده بودم شاید بعضی از آقایان مستعضر باشند که در آنوقت بنده سادات لاریجانی را از حوزه انتخابیه بیرون کردم شاید اساس این مجلس امروز استوار نبود غرض این است که من با همجو استبدادی و کلاه ملت را در روز هفدهم شعبان بسلام بردم و با هزاران زحمت مجلس را دائرو کلا ملت را انتخاب کردم من آن آدمی هستم که در خدمت به آزادی و مشروطیت پیشقدم شده و یک سال تمام واسطه بین دولت و مجلس بهارستان بودم و هر کس که اینجا حاضر و ناظر بود می دانند من چه خدماتی در راه ایران نموده ام شاید بعضی ها فوت کرده اند اما اقبال الدوله و صاحب اختیار حاضرند و می دانند که دست خط مشروطیت را من از شاه گرفته و صادر کردم شاید خود آقای مؤمن الملک رئیس محترم فعلی مجلس هم مسبوق باشند در هر حال مرحوم مشیر الدوله زنده بود که بنده آنلا یکه هشت فقره را حضور شاه بدانجا نه بردم صاحب اختیار و امیرها در به اندرون حضور شاه رفته و مراتب را بر عرض همایونی رسانده در مراجعت از اندرون اظهار داشتند که عزل مسبونوز را شاه قبول کرد ولی

اعطای مشروطیت را بهیچوجه قبول نمی کند حالا اگر بخواهم قضیه را مفصلاً بگویم خیلی طولانی و باعث طول مقاله می شود همین قدر مختصراً عرض می کنم جواب شاه و بمجلس آوردم در همین اطاق کبسیون بود یکی از وکلا برخاست و گفت مقصود ما هم عزل مسیونوز بود تقی زاده متغیر شده و پرخاش کرد که مقصود ما اعطای مشروطیت بود والا عزل مسیونوز چندان اهمیتیتی نداشت حضار هم گفتند عرض اصلی ما دست خط مشروطیت است فردا آمدم بهمین مجلس ولی دو نفر وکلا اضاف هم در اینجا حضور داشتند از آن میانه میرزا محمود کتاب فروش برخاست و گفت حضرات مشروطیت را مفسر السلطنه برای ما می گیرد باری وقتی خواستیم برخیزیم و برویم مشرف الدوله و میرزا فضلعلی آقا و کسلائی آذربایجان دامن من را گرفتند و گفتند با این ترتیب ما نمی توانیم بآذربایجان معاودت کنیم و هیالات ما در معرض تلف هستند عصر آنروز بنده بقرسانیدن يك لایحه از طرف مجلس و قانونی کردن چهار ماده قانون بشو ط مجلس بدربخانه رفتم و با زبان و تمهید دست خط مشروطیت را گرفتم و در هر موقع بهای جان خود بازی کردم و در راه خدمت بآزادی و مشروطیت لطمه فرو گزار نکردم و این دستخط مشروطیتی که دارید من برای شما گرفتم یعنی مسوده آنرا خودم نوشتم و خدمت الدوله از روی مسوده من یا کنویسی کرد و در حضور مرحومین عضدالملک و مشیرالدوله از شاه گرفتم و اینجا آوردم اینها چیزهایی نیست که جای انکار باشد وقتی که توپ در میدان آن توپخانه گذاشته بودند و مجلس محصور بود بهایا هم وکلا در مجلس می خوابیدند و دو نفر از حاجج - الاسلام هم در مجلس بودند من در آن میانه با هر وسیله بود در بخانه در مجلس رفت و آمد می کردم من آدمی هستم که برای گرفتن آزادی شما برای گرفتن مشروطیت شما روزی سی مرتبه بهمارت گلستان حضور شاه می رفتم و زحمات کشیدم و ابداً امید زنده ماندن هم نداشتم (حالا اگر برسیل اتفاق کشته نشدم و زنده ماندم از اقبال من بوده است من آدمی هستم که برای برگردانیدن از میدان توپخانه جلو اطاق الماس در پای حوض رسماً در حضور صاحب اختیار با محمدعلی شاه طوری طرف شدم که همین صاحب اختیار حاضر توی سینه من زد و گفت چه می گوئی مرد که چرا ملاحظه خودت را نمی کنی.

اگر الان حکم کند تور اطناب بیندازند چه خواهد شد؟ این قضیه مقارن بود با روزیکه سه نفر قزاق در بازار تفنگ انداخته و کسبه هم از ترس دکا کین را بسته بودند من با هزاران زحمت کاری کردم که کسبه دکا کین خود را باز کردند و مشغول کار

خودشان شدند غرض این است من همه وقت هملا آزادبخواه و طرفدار مشروطیت بوده ام و در این راه هم هملا و هملا زحمات زیاد کشیده ام و در هر موقعی پیشقدم حریت و آزادیخواهی این مملکت بوده ام ولی حرف زدن برای خوش آمد چهار نفر هوم شغل من نیست حالا بروم بر سر مسئله خیابانی.

مرحوم خیابانی که در يك دوره وکیل بود برای این مملکت چه کرده است؟ چه خدمات و فداکاری برای آزادی این آب و خاک نموده است؟

من همه این کارها که شرح دادم کرده ام ایشان چه کرده اند؟

فقط روی صندلی نشسته اند من اینهمه در باغ گلستان رفته و اینطرف و آنطرف دویده ام و انواع مخاطرات را استقبال کرده ام من آدمی هستم که در آن اوقات که آذربایجان مفشوش شده و از دست رفته بود مجلس را برای استقرار نظم آنجا معین کرد.

و آن سفر اول من به آذربایجان بود بعد از چهل روز که آنجا بودم خبر رسید که مجلس را توپ بسته اند.

افسوس که آن اشخاص حالا حاضر نیستند تا براتب خدمتگذاری من شهادت داده و اعتراف کنند ولی در عوض مسموعات دروغ حجت است باری از تهران بمن دستخط کردند که شما نوکر محترم دولت هستید و شاه بنا بر ملاحظات و مقتضیاتی مجلس را منفصل کرده و دو ماه دیگر برقرار خواهد کرد. ولی شما به حکومت خودتان که اکان باقی و برقرار هستید.

اما بعد از وصول این تلگراف من مصمم حرکت شدم اجلال الملك که در این دوره کفیل ایالت و یکی از همداستان و رفقای خیابانی بود آمد و یهلوی من نشست و گفت چه خیال دارید گفتیم خیال دارم بروم گفت اگر شما بروید مشروطه خواهد مرد و دیگر کسی نخواهد بود که هادی راه آزادی شده و قدمی در این راه بر دارد آنوقت مردم هم مأیوس شده و در خانه خودشان منزوی خواهند شد.

این کلمه در من اثر کرده و باجلال الملك گفتیم که نایموم و باوضعت آنوقت که مجلس را در تهران توپ بسته بودند و انجمن اسلامی در تبریز تشکیل شده بود و قشون روس هم رفیق و پشتیبان آنها بود تا آخرین درجه امکان ایستادگی کردم و همه مشروطیلبان را جمع آوری کردم و اسلحه بدست آنها دادم (اگر چه من ندادم خودشان برداشتند و در واقع چراغ مشروطیت را من در آذربایجان برافروختم بهر حال اهالی تهران خدمات مرا بهتر از هر کس می دانند و افاض می کنند هاید سردار جنگ بداند که سردار اسعد مرحوم را من از یاریس روانه اصفهان کردم چنانچه

سردار اسعد مرحوم مکرر در مکرر مکتب گفت فلان کس مرا معرک شده و در این آتش انداخت.

تمام آتشها را من دامن زده ام در یاریس من سردار اسعد گفتم که شما باصفهان بروید او بمن گفت تو خودت چه خواهی کرد گفتم من هم بتهران خواهم رفت او قبول کرد و بعد با اتومبیل بکافه دولاب آمدم بعد من به برادر خودم فیهیم الدوله گفتم تو برو گراند هتل تلگرافی به مرحوم صلیح الدوله مخابره کن و اجازه حرکت مرا بتهران بخواه صلیح الدوله بمن جواب داد (جواب کتبی) وقتی کاغذ ایشان رسید خط مرحوم صلیح الدوله را آلا ن دارم بمن نوشته بودند در عفو عمومی باغ شاه نو مستثنی هستی همه میدانند که من در عفو عمومی باغ شاه مستثنی بوده ام. حالا در مقابل من آزادبخواه پیدا شده ام که این همه خدمات را کرده و این جانفشانی ها را در راه مشروطیت نموده ام خائن هستم ولی کسی که چند روزی فقط صندلی و کالت را اشغال کرده او آزادیخواه و مشروطه طلب شده است.

بازی در همین سفر وقتی که ما کابینه ساختم منتظر بودیم که از طرف آزادی خواهان آذربایجان و حزب تجدید تلگراف تبریک و تهنیت آمیزی باین کابینه ملی بشود مدتی طول کشیده خبری از آنها نشد همینقدر شنیدم که اسم آذربایجان را تغییر داده و تبدیل به آزادی ستان کرده اند خوب حالا از آقایان انصاف می خواهم کدام موقعیت و کدام اصول سیاست و قانون به یک نفر هر قدر آزادی خواه و هر قدر وطن پرست و مشروطه طلب باشد اجازه میدهد که اسم يك ایالت بزرگ را تغییر بدهد یا فرضاً دارالحکومه دولتی را اشغال و محل سکناى خودش را فراهم بدهد بنده گمان نمی کنم هیچ اصول مشروطه طلبی چنین اجازه را بکسی بدهد با همه احوال ماسبق کردیم و به آذربایجان تلگراف کردیم که کابینه حاضر يك کابینه ملی است و شما هم که آزادخواه و وطن پرست هستید چه میفرمائید مقصود شما چیست بما جواب دادند که هیچ باین کارها کار ندارم فقط برای ما پول بفرستید گفتیم خوب فرضاً پول هم فرستادیم اما آخر ما حاکم هم باید بفرستیم مجدد آما جواب دادند ما از شما پول می خواهیم شما چرا صحبت از حاکم می کنید تنها پول را شما بفرستید دیگر بهاکم کار نداشته باشید ما خودمان حاکم درست میکنیم خلاصه پس از مذاکرات بسیار بالاخره تلگراف کردند یا برای ما پول کافی بفرستید یا کلمه آخرین را بشما خواهم گفت این تلگرافات در روزاوت داخله و هیئت وزراء موجود است برای صدق عرایض بنده ممکن است مجلس این تلگراف را بخواهد و قضاوت کند پس از وصول این تلگراف ما فکر کردیم و دیدیم از ایالت

مهمی مثل آذربایجان که نمی توانیم صرف نظر کنیم و بالاخره ناچاریم يك حاکمی برای آنها روانه کنیم و برای قبول این حکومت هم هیچکس نبود که مطمئن باشد از اینکه در آذربایجان پذیرفته میشود غیر من بدبخت یا خدوش بدبخت کس به بالاخره مسئله دامن گیر خود من شده و این خدمت را داوطلبانه قبول کرده وزیر این بار هم رفتم و سریم بطرف آذربایجان شتافتم بزنجان که وارد شدم ساعد السلطنه از تبریز بمن تلگراف کرد که مذاکراتی با مرحوم خیابانی و حزب تجدید بکنم جواب دارم من که در مسلك با آقایان مخالفت معاندنی ندارم در امور مملکتی هم موکول باین است که خودم شخصاً آنجا رسیده و ببینم مقصود آقایان چیست و چه می خواهند تا اینکه رسیدم بنامسج سه فرسخی شهر ساعد السلطنه به استقبال من آمد بعد معلوم شد اهالی شهر هم میخواستند باستقبال من آمده و مرا تا شهر استقبال کنند خطرات مانع شده و از این اقدام اهالی جلوگیری کرده اند حتی ساعد السلطنه بدبخت را هم مانع شده بودند که نهار خود برنج و روغن بیاورد و لوازم نهار را از خارج تهیه کرده بود من قدری اندیشه کردم هیچ نفهمیدم مقصود از این اقدام آقایان چه بود و برای چه این حرکت کرده اند این مسئله که صورت آزادیخواهی ندارد.

بعد توسط ساعد السلطنه بخیاالی پیغام دادم از قراریکه من اطلاع دارم شما در همارت حکومتی و عالی قاپو منزل کرده و انجمن دارید شما ممکن است جای دیگری را برای حوزه و انجمن خودتان انتخاب کنید وقتی که من وارد

شهر شدم حاضر بآنجمن شما حضور بهم رسانیده و قرار و مدارى باهم بگذاریم جواب دادند خیر تصمیم شده است که شما در خارج منزل کنید و در همارت عالی قاپو نیابید من گفتم بچشم اطاعت می کنم و برای خاطر آقایان رفتم در خارج دارالحکومه خانه ساعد السلطنه منزل کردم و معهود بود فردای آنروز آدم پیش من بفرستد و مذاکرات خود را خاتمه دهند در روز معهود که بنا بود کسی را نزد من بفرستند نفرستاده و مرا هم نپذیرفتند.

در زبدم من رسولی فرستادم و پیغام دادم که آخر ما همان وارد بر شما هستیم خوب است از ما احوالی بپرسید جوابی ندادند ولی ناظم الدوله و سیدالمحققین را از طرف خودشان فرستادند که بیایند و بامن حرف بزنند ناظم الدوله استتکاف کرد زیرا بامن سابقه دوستی داشت و شخصاً پیش من آمد باو گفتم آخرین چه اوضاعی است مشارالیه قدری اطراف خود را نگاه کرد و گفت حقیقتاً نمی دانم چه اوضاعی است او رفت و بعد سیدالمحققین آمد و مذاکرات بیان آمد باو گفتم آقا آخر حدود ایران مقدس است این حدی که امروز برای ایران معین

شده و این خطی که حدود ایران را تشکیل می‌دهد اگر خدای ناگردد دیگران بخواهند متنازل کنند هزار گفتگو بین دول و ملل حادث می‌شود اما اگر خود ما سبقت کرده و پیشقدم شویم و این خط را متنازل کنیم دیگر آن قدر منزلت برای ما باقی نخواهد ماند و آن احترام و تقدس از بین خواهد رفت و در نتیجه مورد تهاجم و حمله دشمن گردیده و طعمه اجانب خواهیم شد زیرا شما بالاخره نگاهدار آذربایجان نخواهید بود وقتی که در اطاق آراسته می‌نشینیم صحبت از حمایت مظلوم و طرفداری رنجبر میکنیم! در موقعی که من بمیانج وارد شدم قریب هفتصد نفر زن و بچه از بزرگ و کوچک لغت و برهنه هریان و گرسنه جلو کالسکه مرا گرفته و داد و فریادشان بمیوق میرسید استیصال و بی‌ریشانی عسرت و بدبختی فشار و نگرانی این بدبختها بدرجه بود که یکی از آنها آتش برافروخته و خود را در آتش انداخت و بعضی‌ها هم بچه‌های خود را زیر کالسکه من انداختند چه منظره دلخراش و چه حالت جانکد از وقت آوری با رنجبر و مظلوم حقیقی این بدبختها هستند که اینطور از جان خود سیر و از این زندگی پراز ننگ بیزارند همه اینها برای چه بود برای اینکه مرحوم خیابانی بواسطه حب ریاستی که داشت امیر عشایر را برای سانسور کردن اداره تلگرافخانه بمیانج فرستاده بود

امیر عشایر هم تمام گرم‌رود را چایید و هستی اهالی میانج را از بین برده بود دیگر اینکه از یولهای که دولت برای شاهسون‌ها یعنی حاجی خواجه او نیلگو فرستاده بود که با اشرا مقاومت کنند و آنها نتوانسته بودند از عهده برآیند امیر عشایر آن یولها و تفنگها را از دست خواجه‌لواها گرفته بود و شاهسون‌ها هم چون این قسم دیدند تمام سراب و فان‌رود و اطراف تبریز را چاییدند بطوری که از میانج تا شهر که بنده رفتم از تمام محصول یک خرمن برداشته نشده بود زیرا احدی قادر نبود بصحرا بیاید و همه مردم و رعایا تمام گااو گوسفند احشام و اغنام خود را در حصار محصور و مخفی داشته و از ترس جان و مال خود بیرون نیامدند وقتی که من بینکجه داش رسیدم باشعت نفر از سواران خود تقریباً یکساعت با آنها جنگ کردیم البته آنها نمی‌دانستند که من هستم زیرا خیلی خفیف و ساده مسافرت کرده بودم و الا البته بن اینکار را نمی‌کردند خلاصه یک شبی رفتم منزل سیدالمحققین مادام حق معروف هم آنجا بود و آنچه لازم موعظه و پند بود گفتم و برای اینکه غائله بطور خوشی و مسالمت ختم شده باشد آنچه را که اندرز و نصیحت بغاطر داشتم بکار بردم و با آقایان مذاکره کردم و بالاخره گفتم آقایان این راه را که شما می‌روید بغلط و بر علیه منافع و مصالح ملت و سیاست مملکت است! شما

اسم يك ایالت مملکت را نباید برگردانید و تغییر و تبدیل بدهید شما حق ندارید دارالحکومه ایالتی را اشغال کنید تا این ترتیب شما بهیچ وجه نمی‌توانید جلو بروید آخر درست ملاحظه کنید الان شما در شهر محصورید و نمی‌توانید با این وضعیت از شهر خارج شوید اگر چه قدغن کرده‌اید کسی از من ملاقات نکند ولی معذک از هر طبقه و صنفی که تصور بفرمائید پیش من آمده‌اند تجار و اعیان و آقایان علماء از من ملاقات کرده‌اند حتی احزاب مجاهد و سوسیال دمکرات‌ها نزد من آمد و رفت کرده‌اند ترتیبی که شما امروزه پیش گرفته‌اید شایسته شما و مملکت شما نیست خوب است طوری باین مسئله خاتمه دهید... چه عرض کنم شام هم آنجا صرف کردم تمام شب را مشغول مذاکره بوده از موعظه و پند که می‌دانستم خودداری نکردم بالاخره آقایان گفتند ختم مسئله و جواب قطعی و کول باین است که ما با رفقا حرف بز نیم حضرات رفتند با رفقا حرف بز نیم مدت استمهال یازده روز طول کشید در این یازده روز من با دقت کامل از تمام اهالی شهر استعلام و استفسار کردم که ببینم آیا واقعا اهالی شهر هم با آنها همراهند یا نه پس از مطالعات فهمیدم که اهالی بهیچ وجه با آنها همراه و با خیال آنها مساعد نیستند هیچ دلیل هم بالاتر از این نمی‌شود که وقتی من تصمیم کردم بمالی قاپو وارد شوم و آنجا را طرف کنم بعد از چهل دقیقه بآنجا وارد شدم خوب آقایان ملاحظه بفرمائید اگر کسی با آنها موافق و بامن مخالف بود چطور من می‌توانستم در ظرف چهل دقیقه عالی قاپو را متصرف شوم در صورتیکه این همان تبریزی بود که یکسال تمام ده هزار قشون مسلح دور او را گرفته بود

باری به هرايش من گوش ندادند تا در روز بیست و ششم شهر ذیحجه سیدالمحققین او بمن گفت چرا نشسته‌اید خوب است بروید بنده نمی‌دانم کدام پرنسیپ یا قانون اساسی اجازه می‌دهد که چند نفر بمن که حاکم رسمی هستم بگویند تو برو پول را بده باری بنده هم جواب دادم اطاعت می‌شود اما باید حضوری باطهران مذاکره کنم و البته هر چه دستور دادند عمل خواهم کرد بنده هم هیچ میل نداشتم اقدامی بنایم ولی ترتیب قضیه اینطور پیش آمد که من بقزاقخانه رفتم رئیس قزاق بمن اظهار داشت اگر شما یازده روز است در تبریز هستید من دو سال است مقیم این شهر هستم و می‌دانم تمام اهالی از این ترتیب متنفر و بیزارند سابقا هم بسیدالمحققین گفته بودم که اگر اهالی با شما موافق هستند پس چرا تلگرافات را سانسور نموده‌اید و مردم مجبورند هرايش خود را از زنجان بطهران تلگراف نمایند باری رئیس قزاقخانه بمن اظهار داشت که اگر اجازه بدهید در ظرف

دو ساعت عالی قاپو را می‌گیرم من باو گفتم مایل نیستم خونریزی و فساد می‌شود در جواب گفت که من مطمئن هستم و مطالعاتی در این باب کرده‌ام و میدانم نظمی و ژاندارم‌ها هم باطناً با آنها همراه نیستند اتفاقاً در همان شب ژاندارم‌ها برای حل آذوقه و بارید باسجج رفته بود نه من هم بعد از اتمام حجت با رئیس قزاق از اینکه خونریزی نخواهد شد و بعد از اینکه دیدم ازد و حال خارج نیست یا باید عالی قاپو را تسخیر کنم و یا آنکه اظهارات آنها را تصدیق و مراجعت نمایم و بالاخره بعد از آنکه تسخیر عالی قاپو را ترجیح دادم اجازه دادم اقدام نمایند لذا قزاقها هم شبانه رفتند و آنجائی را که باید بگیرند گرفته و قریب چهل دقیقه هم با اراذل و الواط شهری و ترور مصادمه مختصری کردند و در تمام واقعه هم یک نفر قزاق کشته شد و دو نفر هم از اراذل شهری ولی از ژاندارم‌ها و آژانها بهیچکس صدمه نرسید بعد از آنکه بنده بمالی قاپو رفتم در ظرف نیم ساعت از تمام طبقات اهالی آمدمند و اظهار تشکر نمودند تصدیق می‌کنند که ورود من بشهر تبریز و گرفتن عالی قاپو خود یک دلیل قاطعی است به حجت هرايش بنده البته اگر اهالی آن اساس را بخواهند مرا راه نمی‌دادند بعد از آنکه بمالی قاپو رفتم فی‌الغور به خیال مرحوم خیابانی اقدام بهیچ کس بیش من نبود که با او آشنائی داشته باشد مگر بهاءالسلطان شیرازی که از باسجج همراه من به تبریز آمده بود به بهاءالسلطان گفتم برو نزد خیابانی خط اعتماد هم باو دادم که باو بدهد و بگوید بازم با تو حاضر می‌کار نمایم اگر میل نداری بدرب خانه بیائی اقلاینهان مستوزیر اینهان شدن از برای تو خطر ناک است بهاءالسلطان نتوانست او را پیدا کند زیرا هم خود و هم زن و بچه‌اش از خانه رفته بودند فردای آن روز نزدیک ظهر دیدم بهاءالسلطان است آدم فرستادم که تحصیل خبر نماید معلوم شد جنازه خیابانی را آورده‌اند و مردم بدر سوخته اراذل که دیروز پای ایوان از برای اودست می‌زدند امروز دریای جنازه اودست می‌زنند و اظهار شادی می‌کنند و اصراری دارند که جنازه او را بیازار ببرند من از اصحاب خودم فرستادم که مردم را متفرق کنند و امر دادم جنازه را محترماً در سید حمزه که مکان محترمی است دفن کنند سید تقی نام حریری هم که پشت جنازه حسارت کرده بود دادم او را حبس و تنبیه کردند بعد هم اهالی مختلفه تبریز آمدند نزد من و مجازات سایرین را خواسته و مرا آسوده نمی‌گذارند که فلان را باید بگیرم و فلان را باید بزنم منم که اهل این کارها نبودم بسه نفر آنها که خیلی طرف بغض مردم بودند گفتم خوبست شما هرا چند روزی در شهر نباشید و به میل خودتان هر کجا می‌خواهید بروید آنها هر چند رفتند و باز

آزادی دادم و برگشتند پول هم با آنها دادم و حوزة هایشان را هم تعبیر نمودند راجع بکشته شدن خیابانی آنچه را بورت از طرف قزاقخانه بمن داده شد بود این بود که خیابانی بالباس زنانه از دیوار خانه می‌خواسته است فرار نماید قزاق جلو گیری نموده‌اند او هم داخل خانه شده و سه تیر برای قزاق انداخته است و يك تیر هم بدست قزاق خورده بود بعد از آنکه صدای تیر قطع می‌شود قزاقها وارد خانه می‌شوند و او را مقتول می‌بینند حالا خودش خودش را کشته یا قزاقها او را مقتول نموده بنده نمی‌دانم العلم عندالله فقط چیزی که هست کاغذی در جیب او دیده‌اند هلی ای حال بنده از آقایان چندان متوقع نیستم اعتبارنامه مرا تصدیق کنند و التماس هم نمی‌کنم لکن همینقدر می‌گویم اگر شما مملکت می‌خواهید اگر ملت می‌خواهید و اگر دولت می‌خواهید و بالاخره اگر می‌خواهید زندگانی کنید باید هر کس عملاً مشروطه طلب بود او را مشروطه بدانید این بود اندازه از يك سلسله خدماتی که کرده‌ام حالا خیابانی - خودش خودش را کشته و با رمیاً من غیر دادم کشته شد من کاری ندارم منم باید در شهر تبریز کشته شده باشم حالا اگر کشته نشدم تقدیر این طور بود باری من عملاً مشروطه طلبم نه بعرف نه بنطق و تابعال هم هیچ کاری نکردم که باین مملکت ضرر و خسارتی وارد آورده باشم اگر خاطراتان باشد فارستان هم بمنظور بود مرحوم علاءالسلطانه بمن تکلیف نمود که فارس از دست رفته خوب است بفارس بروید و غنایه را رفع کنید حالا اگر و کلای تبریز دوا بنجا نیستند و کلای فارس اینجا تشریف دارند ممکن است تحقیق کنید بنده هازم فارس شدم از و کلای اصفهان بی‌رسید شاید خاطرشان باشد که من توپ و فوه و معاون رئیس قشون را در اصفهان گذاردم و تنها بفارس رفتم آیا از روی سفاهت این کار را کردم خیر یا من گفتم که در دوازدهم همین ماه دوازده هزار قشون مامور است که از هند بفارس بیاید و در آن موقع وجود حاکم در فارس لازم است من دیدم با استعداد نمی‌توانم بزودی بروم این بود که خود تنها بفارس رفتم دوازده هزار قشون هند را هم برگرداندم و نگذاردم بفارس بیایند بلی من عملیات کرده‌ام هر کس در مقابل من می‌خواهد از خدمت دم بزند باید عملیات نشان بدهد تمام این هرايشم سند هم دارد اعتبار هم دارد و شاید هم دارد اگر در این مملکت و کلای ملت و اهل مملکت پاس خدمات مرا نداشته باشند و از خدمات من قدر دانی نکنند دیگر از هیچ کس نباید متوقع قدر دانی بود دیگر چیزی نمی‌گویم و موقع هم بیش از این اجازه نمی‌دهد

رئیس - چند دقیقه تنفس داده می‌شود

جلسه برای تنفس تعطیل و پس از يك ساعت مجدداً تشكيل گردید
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه نطق)
آقای سید یعقوب - در جواب آقای رئیس التجر که در موقع مذاکره در اعتبار نامه آقای مخبر السلطنه صحبت از آقای مشیرالدوله کردند عرض میکنم ما صحبت از آقای مشیرالدوله نکردیم و ابداً ایشان محل صحبت نبودند اما راجع به آقای مخبر السلطنه ایشان يك شرحی از تاریخ خودشان فرمودند که من در مشروطه چه کردم چه خدمت کردم و با آخوندها چه مناقشاتی کردم گمان می کنم تاریخ ایران از بین نرفته باشد و نوشته باشند که پیشقدم اخذ مشروطیت سلسله علماء بودند حالا اگر در بین آنها مخالفینی هم پیدا شد کاری ندارم ولی پیشقدم آنها بودند آن وقتیکه آقایان علماء مرحوم آیت الله طهرانی و خراسانی و مازندرانی اقدامات می کردند و ما هادرقم میرفتیم و در غل و زنجیر بودیم آقایان در باغها مشغول کبف بودند علماء کی مخالف بودند علماء همیشه فریاد میزدند که باید مطابق دیانت اسلامی و قرآن عمل شود و قرآن هم عبارت از همین قوانین مشروطیت و آزادی است چون تاریخ بین من و ایشان حکم است بیش از این راجع باین مطلب صحبت نمی کنم. اما ایشان فرمودند که من مشروطه طلب بوده ام گمان می کنم هر کس عقاید مسلمانی داشته باشد پیرو مشروطه خواهد بود لکن از طرف دیگر خود ایشان تصدیق میفرمایند که از مشروطه طلبی ضروری ندیده اند سه مرتبه امپراطور آذربایجان یکمرتبه هم امپراطور فارس شده اند اگر خدای ناخواسته دوره استبداد بود کی این مقامات بایشان داده میشد؟ و اما اینکه فرمودید کابینه ساختیم همه میدانند پس از کابینه وثوق - الدوله تمام توجه مردم به آقای مشیرالدوله بود. آقای مخبر السلطنه در خانه تشریف داشتند مرکز ثقل در آنوقت شاه بود و دخلی بایشان ندارد تعجب می کنم که در مجلس شورای ملی که باید مطابق قانون و آزادی صحبت نمود هنوز اینگونه مذاکرات میشود میفرمایند کابینه ساختیم شاهم يك فردی مثل افراد دیگر بودید شما مربوط نبود خوب است از این بعد همه ما با هم بدانیم که قوانین مشروطیت همانطور که موافق محترم من شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند راجع به ملت است حکومت برای حفظ قانون است و حافظ حقوق عمومی هم قانون است کسی نباید بگوید من کردم من ساختم من می کنم تاریخ زحمات هر کس را در راه انقلاب

ضبط کرده و این همه زحمات را برای این کشید اند که دیگر کسی نگویید من گفتم من کردم اما راجع بمسئله مرحوم خیابانی بنده عقیده نداشتم در مسئله شهادت مرحوم خیابانی در مجلس صحبتی بشود زیرا مترسم خدای نکرده يك یا چند نفر از نمایندگان باین مذاکرات در باره اعتبار نامه آقای مخبر السلطنه رای بدهند آنوقت در تاریخ بنویسند که نمایندگان دوره چهارم با اینکه در مجلس عنوان شد خیابانی را که يك نفر از آزادی خواهان و علماء بود و در راه آزادی کشته شده باز هم کلام که از روی مسلك دموکراسی انتخاب شده اند درباره آنکسی که متهم بقتل یا امر قتل او بود رای داده اند حالا که وارد آن مطلب شده ایم عرض می کنم بنابر تصدیقی که خود ایشان کردند خیابانی در حمله ای که قزاقها بمالی قاپو نمودند کشته شده بلکه بعد از اینکه عفو عمومی داده شده و اعلان که شد سه چهار روز بعد کشته شده باید دانست که بعد از سه چهار روز مسئول جان و مال خیابانی با هر کس دیگر شما بوده اید بعد از آنکه پس از چهار روز خیابانی را کشته اند بنابر آنچه آقای رکن الملک می فرمودند جنازه خیابانی را در روی چوب گذاشته بودند و دست او آویزان بوده است دست او را شکسته بودند بنده عرض می کنم چنگ با مرده را هیچکس تجویز نمی کند و هیچکس با مرده چنین کاری نکرده مگر در صحرای کربلا. در مملکت اسلامی شیعه مملکتی که قانون دارد و زنده و مرده باید محترم باشند خصوصاً از آقای مخبر السلطنه که می گویند من آزادی خواه هستم و مشروطه طلب میباشم خیلی بعید است که يك نفری را که کشته اند در روی چوب بگذارند و بیاورند در دارالحکومه و بی احترامی نسبت باو بشود باید دید خیابانی چه کرده و آنها که خیابانی را کشته اند چه کرده اند کدام دشمن مملکت را کشته اند؟ خیابانی در زمان وثوق الدوله هنوز در روزنامه تجدد در نزد بنده و سایر آقایان موجود است و می گوید من اجرای قانون اساسی را می خواهم آیا کسی که چنین چیزی را می گوید می توان باو تهمت واقف است که تجزیه آذربایجان را میخواست آیا خیابانی می توانست آذربایجان را تجزیه کند هر کس صحبت می کند می گوید اگر من نبودم ایران رفته بود من نمیدانم ایران باید مرهون چند نفر باشد؟ بعقیده بنده ایران مرهون هیچکس نیست ایران مرهون قوه خودش است. باری فرمودند خیابانی در موقع حمله کشته نشده و بعد کشته شده بنده هم میدانم اگر در موقع حمله شده بود چندان بحثی نبود برای اینکه در موقع حمله اگر کسی کشته شد مسئولیتی نیست اما بعد از سه چهار روز مسئول وقایع این

جناب عالی بودید این راجع بمسئله خیابانی اما چیزهای دیگری راجع بابشان بنده شنیده ام که بر بنده مشتبه است از جمله آوردن لاهوتی را از اسلامبول در حالتی که دولت حکم اعدام او را داده بود. بایشان نسبت داده اند گرچه دخول لاهوتی در اداره ژاندارمری بتوسط لبرک بود ولی باید دانست لاهوتی که با اسلامبول از ترس اعدام فرار کرده بود کسی او را وارد خاک آذربایجان نمود سبب بدبختی اخیر آذربایجان چیست؟ مسئول این همه انقلابات اسمعیل آقا و غیره و پولوائیکه در این راه خرج شده چیست؟ آقایان نمایندگان يك اقدام اساسی بکنید تا حکومتهای شما بدانند که مسئولیتی در بین هست اگر حکومت یا ایالت بردند
و هر گاه خوب و بدی بکنند معا که در بین هست و باز پرسى هست و سؤال میکنم آقا تو که از طرف دولت مأمور بودی و مواجب و شرافت و امتیازات بتو دادند و شما را فرمان فرمای کشوری و لشکری نمودند آیا باین ترتیبات در این مدت از برای آذربایجان چه اقدامی نمودی و کدام يك از دردهای او را تسکین دادی واقعه اسمعیل آقا و قتل عام ساوجبلاغ واقعه ارومیه شرفخانه مسئول چیست لافل تشریف برید در هیئت وزراء و اسنادی را که بر برات زمه شما دلات کند بیاورید تا ما هم اعتبار نامه شما را با سلام و صلوات بپذیریم
رئیس - نوبت حرف زدن با آقای حاج شیخ اسدالله است لکن ایشان يك چیزی نوشته اند و نوبه خود را تسلیم آقای مدرس نموده اند آقای مدرس (اجازه)
مدرس - چون در اینجا همه قسم صحبت شد باید همه قسم جواب داده شود لذا حالا عرض می کنم که مکرر از آقایان خواهش کرده ام که هیچ لزومی ندارد متصل لفظاً قلت و اکثریت را تکرار بکنند و هر مطلبی را بگویند اکثریت کرد اولاً انشاء الله نظر همه ما ها در اصلاحات مملکتی نظر اتفاق و موافق است و خداوند انشاء الله در توفیق بما عنایت خواهد کرد
ثانیاً اگر در يك موردی اکثریت مجلس يك مسئله را تصدیق می نماید البته آن رای مقدس است و لواشکه آن مسئله در باب حقوق محمد علی میرزا باشد زیرا شما که آن روز بودید میخواستید او را بکشید حالا که زنده است تکلیف ما این است که باو نان بدهیم بلی اکثریت رای داده بنده می گویم اگر تا پنجاه سال دیگر هم که باشد تا هر وقت زنده است ملت ایران باید باو نان بدهد تا نمیرد اما راجع بمسئله که مطرح است من خیال می کردم بعد از آنکه آقای مخبر السلطنه بطهران تشریف آوردند این سؤال وجوابها و این تحقیقات با در شعبه و یا در کمیسیون خواهد شد و بعد از

آن این مسئله تصفیه شده بمجلس خواهد آمد.
حالا که آن طور نشد ولی عقیده بنده این مذاکرات خارج از موضوع بحث است شکی نیست خدارحمت کند مرحوم خیابانی آدم بسیار خوبی بود آنجا هم چندی در خدمتشان بودیم آدم آزادی خواهی بود بنده عقیده شخصی خود را عرض می کنم کلنل محمد تقی خان هم که با ما هم سفر بود آدم خوبی بود.
بنده او را آدم وطن خواهی می دانستم باز هم عقیده شخصی خودم است میرزا کوچک خان هم آدم وطن دوستی بود لکن باید در کار هم يك حدودی باشد بنده خودم دو نفر را خدمت آقای خیابانی فرستادم یکی قره آلی الله رفت دیگری را پول دادم در وقت مسئله قرار داد خدمت آقای خیابانی رحمت الله علیه فرستادم و بیغام دادم که امروز چنین قراردادی بسته شده و بعقیده بنده مضر بحال مملکت است خوب است شما در آن ناحیه که هستند کمکی بفرمائید شاید انشاء الله این مسئله رفع شود و وقتی که مجلس شورای ملی مفتوح شد اگر مطالب دیگری دارید ممکن است بمجلس اظهار دارید و البته مجلس هم مساعدت نمود و میل شما انجام خواهد گرفت خدارحمتشان کند جواب دادند که من با عرافها طرف مذاکره نمی شوم.
و اطینانی بحرف آنها ندارم غرضم این است که بنده نسبت بآن مرحوم اخلاص داشتم خود شاهزاده و بنده وقتی با هم مهاجرت کردیم اگر دولت وقت عقیده اش این بود که این مهاجرت بر ضرر مملکت است و حکم می کرد که در راه بنده را بکشند.
من دولت را مقصر نمی دانستم و خودم را هم مقصر نمی دانستم زیرا من بر طبق عقیده ام رفتار کردم او هم بر طبق عقیده اش باید نظر بعقیده و توجه نمود آقای خیابانی خیلی خوب آدمی بود و ما هم تا امروز نمیدانیم وضعیات آذربایجان چه بود و چرا ایشان مقتول شده اند
حالا که نمی دانیم آیا اقتضا دارد این عمل را برای يك طرفی ثابت کنم و آن طرف را وادار نمایم از خود تبرئه نمایند؟ خیر این مسئله هیچ سابقه ندارد که يك کسی ابتداء بساکن برود و تبرئه خودش را ثابت کند.
هر کس مدعی است باید ثابت نماید ما که اینجا نشسته ایم می گوئیم مرحوم خیابانی شهید شد اما کشته کی بود معلوم نیست نسبت با آقای مخبر السلطنه می دهند بنده اگر چه با ایشان دوستی دورادور داشتم.
لکن در این مدت هفت سال بطهران آمده ام بیشتر شنیده ام ایشان از خدمتگذاران

وطن هستند بقدری وطن خواه بودند که آخر دهقان هم شدند و دیدید که امضای خود را دهقان گذاردند در صورت گفتگوی وطن خواهی نمودن در صورتیکه همه وطن خواه هستند و همه به مملکت خدمت کرده اند و خیلی به مسئله انتخابات و وکیل شدن ندارد لذا بنده عقیده داشتم که اصلاً این مذاکرات در مجلس نشود

زیرا ما در مسئله صحت انتخابات صحبت میکنیم در مقابل تقدیس عصمت و غیر عصمت نیستیم همه ان شاء الله از هر جهت خوبند مرحوم خیابانی را هم خدا رحمت کند آدم وطن خواهی بود لکن مربوط باین مسئله نیست اگرچه آقای مخبر السلطنه هم شاید بقدریکه بنده اخلاص زیاد نسبت بایشان نداشته ام ایشان هم نسبت بمن التفات ندارند.

ولی فرق میکنند بنده عقیده ام این است که از حیث انتخاب و صحت انتخاب باید نسبت بایشان رأی داد و اشکالی راجع بآن نمی بینم و امیدوارم آقایان هم بعد از این مذاکرات با اتفاق رأی بدهند و البته اگر ما را قانع میکردند با اتفاق رد میکردیم ولی چون ما را قانع نکردند لذا میخواهیم با اتفاق رأی بدهیم زیرا در این جا بعضی از مذاکرات خارج از موضوع شد مثلاً اسم از آقای مشیرالدوله برده شد در صورتی که ربطی بموضوع نداشت البته آقای مشیرالدوله بمنظور که نسبت بایشان اظهار اعتماد شده از حیث سیاست مملکت گفتگو ندارد که ایشان هیچ چیز مملکت را بیاد نمی دهند و رأی اتفاق دادن درباره آقای مخبر السلطنه مثل رأی اتفاق دادن درباره آقای مشیرالدوله است و هیچ اشکالی راجع به آن نمی بینم

من و مخبر السلطنه و شاهزاده مرسته از طهران انتخاب شده ایم منتهی من و شاهزاده در اینجا نبودیم و آقای مخبر السلطنه تشریف داشته اند راجع بمسئله خیابانی هم استادی بدست من نیامده که می توانم بگویم شخصی عالم و عابد و در صدر این کار بوده البته يك وضعیاتی پیش آمده که نتیجه اش این مسئله مشغول بوده دیگر عرضی ندارم.

(عده می ار نمایندگان گفتند مذاکرات کافی است)

سلیمان میرزا - اگر اکثریت بخواهد اقلیت را خفه میکند و بگوید مذاکرات کافی است امری است علیحدّه والا بمقیده بنده مذاکرات کافی نیست و باین گفتن مذاکرات کافی است پرتست می نمایم.

رئیس - خود آقای مخبر السلطنه هم اجازه خواسته اند

آقای حاج شیخ اسدالله موافقت؟
حاج شیخ اسدالله - بلی
رئیس - آقای مستشار السلطنه

چطور؟

مستشار السلطنه - بنده نوبه خود را به آقای ملک الشرا واگذار میکنم

رئیس - آقای حائری زاده هم که اجازه خود را مسترد داشته اند

حائری زاده - بلی مطالب بنده گفته شد

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - عقیده بنده این بود که موافق رأی سابق مجلس خود آقای مخبر السلطنه باید قبل از اینکه این مسئله مطرح شود اظهار عقیده بکنند و بعد مجلس داخل در مطالب شود این مسئله هم واقع شد

رئیس - آقای ملک الشرا (اجازه)

ملک الشرا - چندی قبل در

همین مجلس صحبت از مرحوم خیابانی شد و اگر خاطر آقایان باشد آنروز هم بنده راجع باین مسئله اظهار عقیده کردم و تبرئه ساحت مرحوم خیابانی را متذکر شدم و در همین اینکه اذعان و اعتراف شدم (چنانکه از طرف خود آقای مشیرالدوله هم اذعان شد) که آقای مشیرالدوله و کابینه ایشان ابداً در قتل مرحوم خیابانی دخالت نداشته و همانطور که آقای رئیس التجرار اظهار نمودند کابینه آقای مشیرالدوله نظر بوظیفه که داشت مایل به

بقلع قیام آذربایجان بود ولی در همین حال نه کابینه نه سایر مردم و نه آزادیخواهان و شاید مخالفین خود مرحوم خیابانی هم مایل بقتل خیابانی نبوده اند این است روح مسئله والا در اینکه اگر در دوره يك کابینه در يك نقطه مملکت يك قیامی برپا شد آیا آنکابینه معق است بآن قیام خاتمه بدهد یا نه؟ این يك موضوعی است که زیاد می شود در اطراف آن سخن فرسائی کرد و بالاخره نمی توان بیک کابینه گفت تو مایل بقلع فائله و قیامی نباشی ولی در همین حال تصدیق می فرماید که نمی توان انکار کرد که اگر در دوره فترت و در زمانی که تقریباً یکمده از مردم هر قدر هم وطن خواه باشند بدوره مجلس خاتمه داده و اصول مشروطیت را مطابق قانون اساسی تعطیل بردار نیست برای آنکه با اصول کیف مایشانی مملکت را اداره نمایند تعطیل کرده باشد و در يك چنین موقعی يك قیامی شد و آن قیام بنام آزادی بود البته همانطور که دولتی که باعث آق قیام شده می تواند مدعی ازوم تسکین آن گردد همانطور هم وقتی پارلمان دائر شد و ملت حقوق خود را پس گرفت پارلمان می تواند بدولت اعتراض نماید که چرا يك قیام آزادیخواهانه را باسم طغیان خاتمه داده اند و بیشتر میتواند آن اعتراض را بکنند در صورتی که یک نفر آزادیخواه هم بنام طغیان و یاغی گری

مقتول شده باشد آقای مشیرالدوله در همین مجلس از خود تبرئه نمودند که دولت وقت راضی بکشتن خیابانی نبود و این مسئله را از آقای مشیرالدوله قبول می کنم زیرا روح ایشان يك روح منزّه و فکر ایشان فکریاک و مقدسی است و هیچوقت در دوره زندگانشان ندیده ایم که ایشان از حدود آزادیخواهی تا این اندازه که بقتل يك آزادیخواه راضی باشند تجاوز کرده باشند این است که رشته این اعتراضات بآقای مخبر السلطنه وارد است ایشان يك شرحی راجع بآزادیخواهی خودشان بیان فرمودند اگرچه بعضی از آقایان نسبت بایشان اظهار عدم آشنائی فرمودند لکن بنده کاملاً با ایشان آشنائی وارادت داشتم و در انتقادات طهران یکی از ملت و زحمتکشانشان جدی انتخاب ایشان بنده بوده ام و ایشان را یکی از اشخاص فعال و جدی و یکمرد پاکدامن و بی طمع می شناسم لکن در همین حال بی اندازه متأسفم که چرا فعالیت ایشان در غالب اوقات باید بر علیه آزادی باشد مرحوم خیابانی آنطور که گفته شد يك مرد طامعی و یاغی و خود خواهی نبود در ادوار فترت اگر چنانچه يك فردی از افراد قانون اساسی را در دست بگیرد و بر علیه حکومت غاصب دزد دیکتاتور وقت قیام کند شاید در نظر حکومت یاغی باشد ولی در نظر ملت و آزادیخواهان مقدس است هر آزادی خواهی یاغی نیست و هر یاغی هم آزادیخواه نیست بر فرض اینکه ما يك دلائل متزلزلی بتواند ثابت کند که مرحوم خیابانی میل داشته است ریاست نماید و بر فرض اینکه با يك زحمت ثابت نمایند که خیابانی می خواسته است در نتیجه قیام خود آذربایجان را خنجر نماید و بالاخره اگر بخواهید ادا بکنید که خیابانی می خواسته است از طهران بول بگیرد و تجهیزات بکند و بطهران اعتنا نکند با تمام این دلائل و مذاکرات باز هم در پنجاه سال یا صد سال دیگر که بتاریخ قیام آذربایجان مراجعه کنند چند سطر بیشتر در آنجا نخواهید یافت در آنجا خواهد

نوشت که در دوره کابینه دیکتاتور و در بدو طغیان فترت یک نفر شخصی بنام محمد خیابانی در آذربایجان قیام نمود و سابقه این شخص با سابقه درخشنده آزادیخواهی مستور بود و ناحیات داشت بمملکت و وطن خود خیانت نکرد این شخص وطنخواه در چنین موقعی قیام کرد و قانون اساسی را درست گرفت حزب دمکرات آذربایجان که يك شاخه از دمکرات ایران بود با او موافقت کرد و او امر فاصبه را مرگزا نپذیرفت و در روزنامه ارگان خود که نام او تجدید بود مقالات و خطابه هائی منتشر نمود و این مقالات و خطابه ها کاملاً آرزوی آزادیخواهی بود و بالاخره در زمان دوره فترت و دوره طغیان

مقتول شده باشد آقای مشیرالدوله در همین مجلس از خود تبرئه نمودند که دولت وقت راضی بکشتن خیابانی نبود و این مسئله را از آقای مشیرالدوله قبول می کنم زیرا روح ایشان يك روح منزّه و فکر ایشان فکریاک و مقدسی است و هیچوقت در دوره زندگانشان ندیده ایم که ایشان از حدود آزادیخواهی تا این اندازه که بقتل يك آزادیخواه راضی باشند تجاوز کرده باشند این است که رشته این اعتراضات بآقای مخبر السلطنه وارد است ایشان يك شرحی راجع بآزادیخواهی خودشان بیان فرمودند اگرچه بعضی از آقایان نسبت بایشان اظهار عدم آشنائی فرمودند لکن بنده کاملاً با ایشان آشنائی وارادت داشتم و در انتقادات طهران یکی از ملت و زحمتکشانشان جدی انتخاب ایشان بنده بوده ام و ایشان را یکی از اشخاص فعال و جدی و یکمرد پاکدامن و بی طمع می شناسم لکن در همین حال بی اندازه متأسفم که چرا فعالیت ایشان در غالب اوقات باید بر علیه آزادی باشد مرحوم خیابانی آنطور که گفته شد يك مرد طامعی و یاغی و خود خواهی نبود در ادوار فترت اگر چنانچه يك فردی از افراد قانون اساسی را در دست بگیرد و بر علیه حکومت غاصب دزد دیکتاتور وقت قیام کند شاید در نظر حکومت یاغی باشد ولی در نظر ملت و آزادیخواهان مقدس است هر آزادی خواهی یاغی نیست و هر یاغی هم آزادیخواه نیست بر فرض اینکه ما يك دلائل متزلزلی بتواند ثابت کند که مرحوم خیابانی میل داشته است ریاست نماید و بر فرض اینکه با يك زحمت ثابت نمایند که خیابانی می خواسته است در نتیجه قیام خود آذربایجان را خنجر نماید و بالاخره اگر بخواهید ادا بکنید که خیابانی می خواسته است از طهران بول بگیرد و تجهیزات بکند و بطهران اعتنا نکند با تمام این دلائل و مذاکرات باز هم در پنجاه سال یا صد سال دیگر که بتاریخ قیام آذربایجان مراجعه کنند چند سطر بیشتر در آنجا نخواهید یافت در آنجا خواهد

دیکتاتوری از طرف حکومت وقت آذربایجان آقای مخبر السلطنه کشته شد بلی در تاریخ آذربایجان غیر از این چند سطر را نخواهید دید دیگر در آنجا نمی نویسند که خیابانی می خواست آذربایجان را مجری کند زیرا دلیلی در دست مورخ نیست

صرف نظر از اینگونه مسائل باید دید که آیا منظور خیابانی از این اقدام چه بود؟ مجلس شورایی همیشه باید از برای آزادی يك وثیقه هائی بدست مردم بدهد مجلس شورایی باید بدوره فترت که قبل از خود بود نظر کند و با يك نظر کنجکاری و تانی قضایائی که در آن دوره بر علیه آزادی و آزادیخواهی واقع شده با میزان انصاف بسنجید و بر تنبیه آن عملیات مجازات بدهد این نظریات راجع بمرحوم خیابانی و راجع بقتل او است بنده همانطور که آقای مخبر السلطنه را همیشه از نقطه نظر احترام و قدردانی نگاه می کرده ام در آنجا نیز ایشان را یکی از رجال فوق العاده فعال مملکت می دانم ولی در همین حال بمدافعه مرحوم خیابانی بنده نسبت بایشان از نقطه نظر اینگونه چرا باید ایشان قاتل یک نفر آزادیخواهی باشند نگران و میل دارم در مجلس تا این اندازه برای اینکه در آینده در دوره فترت بنام طغیان آزادیخواهان را از بین نبرند بایشان مکافات داده شده باشد و اگر هم اکثریت (اگرچه بقول آقای مدرس بنده هم عقیده ام این است که اقلیت و اکثریتی در کار نیست) در بازه ایشان رأی بدهد و اعتبارنامه ایشان را تصویب کند لا اقل گفته شود که مجلس در مورد اعتبارنامه آقای مخبر السلطنه در پشت میز نطق استفاده نمود و بر علیه اشخاصی که در دوره فترت بر علیه آزادی قیام می کنند نفرین کرده و باین ترتیب رجال خود را تنبیه کنیم که من بعد حتی الامکان از پیش آوردن ادوار فترت خودداری نموده و بنام طغیان سر آزادیخواهان را نکوبند و بعبارة آخری مجلس امشب يك یادگار و تذکری باشد برای رجال آینده مملکت و شخص بنده به همین اندازه قانع می باشم

رئیس - آقای مخبر السلطنه (اجازه)

حاج مخبر السلطنه - چون آقای آقا سید یعقوب در ضمن اظهارات خود يك کلماتی گفتند که بنده نفهمیدم و يك فقره از آنها مفهومی داشت که شاید من نسبت به آقایان علماء جسامتی کرده باشم این است که عرض می کنم من همچو چیزی نگفتم و سوء تفاهم واقع شده دیگر اینکه فرموده از نو کری مشروطه استفاده کرده ام همه آقایان می دانند که من در نو کری مشروطه يك ملک داشتم که آنرا هم فروخته و خرج شیراز و هوائی که از آن سفر برای من حاصل

شد کردم اما تمام آن اظهاراتی را که آقای ملک الشعراء نمودند اگر نظر آقایان باشد در آن مطالبی که عرض کردم جواب تمام آنها داده شد من خیابانی را نکشتم و امر بکشتن او هم نداده ام اما سید یعقوب گفتند که چهار روز بعد خیابانی کشته شد خیر فردای آن روز که من به عالی قاپو رفتم این اتفاق افتاده اگر مردم شهر نسبت به جنازه بی احترامی کرده اند و دست زده اند گناه من نیست آخر از اهالی تبریز سؤال کنید جنازه را می خواستند در بازار تبریز گردانند من نگذاشتم مخصوصاً آدم را فرستادم و جنازه را با احترام در محترم ترین قبرستان تبریز یعنی سید حمزه دفن کردند و از خویشان و ندانان او نگاهداری کردم برای بچه های او پول فرستادم و خانه شان را تعمیر کردم رعایتها و ملاحظات من بقدری بوده است که در همین واقعه اخیر که خواستند هوغائی بکنند و در ضمن بمن صدمه بزنند در مسجد مجتهد جمع شدند و نطق کردند و دوستان سید ناصر بیکار مثل همه ولایات حاضر بودند نه یکی از آنها گفت بروید بچه های مرحوم شیخ را بیاورید که امروز روز انتقام است همه اهل تبریز می دانند که من هیچ مایل باین کار نبودم و هیچ گناهی ندارم

خود خیابانی در خانه پنهان شده بود و بطرف قزاق تیر انداخت قزاق هم بطرف او تیر انداخت و با شاید خودش خود را کشته باری مردم رفتند بچه های خیابانی را بیاورند خیال خیابانی بچه ها را پنهان کرده بود چون اهل شهر اصرار کرده بودند فریاد زده بود که قاتل شوهر من مخبر - السلطانه نیست و اگر اصرار بکنید می آیم در مسجد و هلنامی گویم کی مسیب قتل شوهر من بود از این اظهار همال خیابانی یک چیزی بر من معلوم شد و آن این بود که بعد از خیابانی رفقای او می گفتند که این او را یک قدری خود رای شده بود و خیال دیکتاتوری داشت و شاید می خواستند بگویند که یک اختلالی در مغز او واقع شده بوده است

از این حرف خیال شیخ من همچو می فهمم که آن مرحوم بیچاره شاید مایل بوده است که نباید نزد من و تربیتی بدهد ولی رفقایش نگذاشته اند و اما اینکه اینجامدا کرده می شود در زمان دیکتاتوری بود و باید مکافات شوم هیچوقت من وقتی به تبریز رفتم در نزدیکی تبریز یکی از حرفهائی که به حضرات گفتم این بود که من در طهران عقاید و قیام شما را تقدیس نمی کردم ولی حالا که آن امر مسبب این اقدام رفع شده و اصلاحاتی هم گشته است و مطالب موکول برای مجلس شورای ملی شده و آن کابینه هم از بین رفته و کابینه ای که حالا حکومت دارد موافق میل آزادی خواهان است دیگر چه می گویند جواب دادند که مایک نصیحتی

گرفته ایم و آن را تعقیب خواهیم کرد دیگر باقی مطالب که گفته شد جواب ندارد رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - یک قسمت از مطالبی که می خواستم عرض کنم قبل از بنده آقای ملک الشعراء فرمودند باز هم بطور فهرست عرض میکنم دولت مشروع با قلع و قمع اشراری که مسائلی است که اغلب اوقات با واقع مطابقت نمی کند

یعنی بنظر یک جماعتی یک دسته اشرار هستند و بنظر جماعت دیگر یک دسته دیگر اشرار هستند.

مثلاً بنظر محمد علی شاه که مجلس را خراب کرد و ملک المتکلمین و میرزا جهانگیر خان و سید جمال الدین قاضی و جمعی از آزادیخواهان را بقتل رساند و تمام اشخاص را که در باغ شاه حبس میکرد می کشت جزء اشرار محسوب می شوند و شاید آنها را از اسلامیت هم خارج می دانستند آیا آن حکومت مشروع بود؟

بلی اگر از نقطه نظر حکومت وقت ملاحظه فرمایند حق بجانب حکومت بود و هر کس بر علیه او قیام کند باید سرش را برید ولی در نظر بنده ساعتی نیست که نگویم مرحوم متکلمین و غیره شهید شده اند در حالتی که در نظر محمد علی شاه اشیاء بودند و بنظر از نقطه نظر بنده محمد علی شاه و اتباعش از اشرار می باشند بنا بر این در اینجا اختلاف نظری موجود است

البته کسی که شخصی را میکشد نمی گوید آدم خوبی بوده البته هر کس باشد چه از نقطه نظر مذهبی و چه از نقطه نظر سیاسی می گویند آدم بدی بود تمام اشخاص را که ناصرالدین شاه در زمان استبداد کشت آیا اشخاص خوبی میدانست؟

خیر آیا اگر بخواهند آزادی خواهی را شکنجه کنند جز اینکه بگویند شریر بود و خیال تجزیه مملکت و خراب کردن مملکت را داشت و جز اینکه تهمتی با او برند آیا وسیله دیگری برای سرکوبی او دارند؟

البته اگر همانطور که آقای ملک الشعراء فرمودند خیابانی در روز نامه تجدید می نوشت من اجرای قانون اساسی را می خواهم و همانطور که آقای مدرس فرمودند آدم نزد او فرستادند که بر علیه قرارداد قیام کند باینجهت قیام نمود در اینصورت البته نخواهد توانست سراو را بگوید باین جهت مجبورند باو تهمت بزنند و نسبت خیال تجزیه مملکت را باو بدهند زیرا او حالا حاضر نیست که بگوید من خیال تجزیه آذربایجان را نداشتم گویند این حرف یک ورق کاغذی که معلوم نیست بامضای کیست از حبس بیرون می آورد باستان آن این نسبت را بخیابانی می دهد آیا منزل کردن در صارت عالی قاپو او را واجب القتل میکند؟

آیا پول خواستن از مرکز انسان را یاغی قلمداد می کنند؟ اگر اینطور است تمام حکام را باید کشت زیرا یاغی های بزرگ تراشیده و با سم قلع و قمع آنها از مرکز پول می خواهند پس بقول آقای مخبر - السلطانه تمام آنها واجب القتل هستند

مخبر السلطانه - من چنین چیزی نگفتم

سلیمان میرزا - پس اینکه می گویند پول می خواست و چیز دیگری نمی خواست چه معنی دارد؟

از برای حفظ حیثیات کسی که مرده است و نمی تواند دفاع کند باید گویند هر مطلبی سندی از بغل در آورده و بگویند مثلاً خیابانی با این سند تجزیه مملکت را می خواست شما مدعی هستید و ادعای شما دلیل نیست شما متهم بکشتن خیابانی هستید این حرفهای شما قابل تصدیق نیست کجا است خیابانی که بگویند من این خیال را نداشتم آقای مدرس فرمودند در واقعه قرارداد آدم نزد خیابانی فرستاده اند در صورتی که تا به حال بنده نشنیده بودم حالا خودشان فرمودند اگر خیابانی یاغی بود چرا آدم پیش او میفرستادند بهر حال کشته شدن خیابانی که جای تردید نیست حالا ما می خواهیم در باره این کشته حکمیت کنیم و در باره این کشته که علی اقوال مختلف بعضی می گویند قزاق او را کشته و بعضی می گویند خودش انتحار کرده یا رفقای او را کشته اند و خط دماغ پیدا کرده بود آخر اسناد این نسبت ها کجا است؟ کی باید تحقیق کنند؟ اگر بنده امشب در خانه خودم رفتم و مرا کشتند کی تحقیق می کنند؟

کمان میکنم هیچکس زیرا که مرده ام و می گویند الحمدلله از زیر گوتیش راحت شدیم بنده می گویم خیابانی یک کفتر تیره ایران هیچ خدمتی هم در راه آزادی نکرد حالا که کشته شده ما می خواهیم تحقیق کنیم کی او را کشته است و چگونه کشته شده آیا کی باید تحقیق کنند؟ راه تحقیقش را بمن نشان بدهید آیا کسی که در زمان حکومت او خیابانی کشته شده باید تحقیق کند حاجا و کلا اگر امروز همراهان من که پنجاه سال صد سال دیگر اشخاصی خواهند آمد برای اینکه حکمیت کنند و به بینند حق با کی بوده چنانچه امروز هم می بینیم اشخاصی را که صد سال قبل از بین رفته اند تاریخ ثابت میکند که خادم بوده اند نه خائن البته هر ما کوتاه است ولی مردم دنیا و تاریخ زیاد است حکومت حکومت ملی است و بنده که یک کفتر و کبل هستم بنام حفظ و کالت و احقاق حق یک کفتر مقتول باید به هم خیابانی واقعا تجزیه آذربایجان را می خواسته است یا خیر؟ آخر سندیها کجا است؟

حاج مخبر السلطانه - امضای

خودش است
سلیمان میرزا - اگر امضای خودش است بیرون بیاورید.
حاج مخبر السلطانه - از وزارت داخله بخواهید.

سلیمان میرزا - والا اگر خود شما تلگراف کرده باشید یا یک نفر مأمور دولت یا صاحب منصب قزاق تلگراف کرده باشد اینها دلیل نمی شود که او خودش انتحار کرده پس مسئله باز تحقیق بر می گردد.

بنده می خواهم بفهمم این نسبت هائی که باین مرده مدفون که معروف با آزادی - خواهی بود میدهند صحیح است یا خیر؟ این شخص خائن بود یا خادم اگر معلوم شود خادم بود آیا می شود بصحت اعتبارنامه کسی که او را کشته رای داد آقای مدرس می فرمایند چرا اکثریت و اقلیت گفته میشود پس چه بگویم خوب است یک لغت تازه بی به بنده یاد بدهید تا عرض کنم پریش هم که در مجلس هیئت رئیسه انتخاب میشود خود آقای مدرس فرمودند مخلص همگی با اکثریت ۳۹ رای انتخاب شدم.

البته تمام مطالب با اکثریت می گذرد در نظامنامه و قوانین اساسی هم با لغت اکثریت نوشته شده و مادام که یک لغت تازه وضع نشود بنده اکثریت و اقلیت عرض می کنم بنده در تصویب کردن حقوق محمد علی میرزا مخالف و در اقلیت بودم اما اکثریت رای داد و البته بعقیده آقایانی که رای دادند خوب بود رای دادند و هفتاد هزار تومان حقوق برای محمد علی میرزا تصویب نمودند البته عقیده آزاد است اگر عقیده بنده بد است این دفعه بنده را انتخاب نکنید حالا هم عرض می کنم در خصوص صحت نمایندگی ایشان اتفاق نخواهد بود زیرا بنده مخالفم و آقای مدرس بآرزویشان نخواهند رسید تا بنده مدرک و سند بنیم نمی توانم یک عنصر پاک را مثل خیابانی یاغی بدانم البته در نظر کابینه آقای ونوق الدوله که قرارداد را خوب می دانست مخالفین قرار داد یاغی هستند زیرا آن کابینه قرارداد را بصره و صلاح مملکت می دانست اگر ایشان هم تشریف بیاورند بنده دوسه شب همین عرایض را در حضور مبارکشان خواهم کرد زیرا شنیده ام تشریف می آورند و باید منتظر اقدامات جدیدشان باشیم بطریق وسلامت تشریف بیاورند و در همین مجلس در دست راست یا دست چپ می نشیند و در اعتبار نامه ایشان باز همین مخالفت ها خواهد شد مگر اینکه خدا بخواهد بنده مرده با هم

آقای میرزا علی کازرانی -

انشاء الله

سلیمان میرزا - بسیار خوب

انشاء الله البته وقتی خدا بخواهد خواهم

مرد و جمعی از پیر گوی بنده آسوده خواهند شد لکن تا زنده ام و دستم باین کرسی خطابه میرسد عقاید خود را آزادانه خواهم گفت و از خداوند هم کمک می خواهم لاغیر اگر زنده ماندم از اشخاصی که بر علیه انتخاباتشان حرف خواهم زد یکی آقای وثوق الدوله است که تشریف می آورند و مملکت بوجود مقدسشان آراسته می شود آنوقت بده باز عرایض خود را شروع می کنم مگر اینکه مرده باشم و آقایان راحت شده باشند یا اینکه از اول اکثریت رای بدهد که اصلا مذاکره در این اعتبار نامه لازم نیست ولی گمان می کنم هیچ اکثریتی چنین تعمیلی بر اقلیت نکند و باین امیدواری که دارم اگر آقای وثوق الدوله تشریف بیاورند بنده باز شروع بعرایض خودم در باب قراردادی کنم و موافقین قرارداد هم بگویند قرارداد خدمت بمملکت بود اگر خدمت بود پس اعتبار نامه همین آقای مدرس که آنوقت مخالف قرارداد بودند باید رد شده باشد

باری باز فرمایش آقای مخبر السلطنه بر می گردم ایشان یک مقداری رجز خواندند بنده در یک قسمت از فرمایشاتشان عرضی ندارم .

البته اگر ایشان فراموش کرده اند در نظر بنده هست آقایان مساوات و تنکابنی و چند نفر از آقایان از دوره اول بودند که معدهای میرزا عده را از مجلس می خواست بنده محق و یحیی میرزا اخوی با هم گرفتار شدیم منتهی یحیی میرزا در دست اشخاصی که در دروازه قزوین انجمن داشتند گرفتار شد و او را بنظمیه و باغشاه بردند و بنده مبتلا بدو نفر سیل اخوری شدم و آنها بنده را رها کردند .

شرح مفصل دارد که خدمت بعضی آقایان عرض کرده ام منتهی باینجا نرسید که بنده را هم راحت کنند خیلی خوب اینجامنت بر مردم نیست خدمت بعقیده خودم کرده ام آقای مخبر السلطنه هم اگر بمشروطه خدمت کرده اند خدمت بعقیده خودشان کرده اند و اجرومزدی لازم ندارد و حالا باین مسئله کاری ندارم اما از خودشان سوال می کنم اگر کسی صدسال عمر کند و در آن صدسال در راه یک عقیده مذهبی و سیاسی خدمت و مجاهدت کند ولی در آخر عمر خود بزند و یک نفر را بکشد آیا هیچ قانون مذهبی و سیاسی اجازه می دهد که چون این شخص صدسال خدمت کرده به مجازات نرسد و خون دیگری پامال شود ؟ خیر هر قدر هم خدمت دویشان کرده باشد باعث معافیت او نخواهد بود یا اگر قانونی در این باب هست بنده خبر ندارم ولی گمان نمی کنم خدمات سابقه اسباب معافیت از اجرای قانون باشد

البته خدمات سابقه در موقع خود

مستحسن است ولی اگر خدای نکرده ایشان محکوم شدند (چون بنده هنوز بطور قطع نمی توانم بگویم که ایشان شریک قتل خیابانی هستند) اگر تمام عمرشان را برای مملکت خود خدمت کرده باشند هیچ قانونی ایشان را معفو نخواهد کرد

اگر کشنده خیابانی باشند باید ایشان را کشت یا اینکه باید ورثه راضی شوند اگر ایشان آمراین قتل بوده اند مطابق قوانین مذهبی ما برای آمرایته یک مجازاتی هست و ایشان را باید بمجازات برسانند فلان خدمت باعث عفو اجرای قانون نمی شود مگر اینکه همان طور که در آخر فرمودند بگویند من نکرده ام و اسناد نشان دهند والا نطق اول ایشان خودشان را محکوم می کرد زیرا محکومیت و واجب - القتل بودن خیابانی را می رساند و فرمودند او عدم مرکزیت و پول می خواست یعنی چنین شخصی محکوم بقتل است و اگر کسی چنین شخصی را بکشد جایزه دارد قسمت تعریف خدماتشان هم لازم نبود زیرا بنده به ترمی دانستم و هنوز بنده بعنوان یادگار عکس مرحوم صنیع الدوله اخوی ایشان را بالای سرم گذارده ام و ایشان را اول شخص خدمتگذار مملکت می دانم و خانواده ایشان را خانواده محترمی می شمارم ولی تمام این ها باعث نمی شود که اگر ایشان در قتل خیابانی شریک هستند صرف نظر کنیم خوب را خوب می گویم و بد را بد تا اگر دوره فقرتی بیش بیاید و آزادخواهان کشته شوند معلوم می شود که باید بمجازات برسند ولی دم این کشته ها و کلاء آزادی خواهان هستند بنده در اینجا بعنوان ولایت دم حرف می زنم و می گویم شیخ محمد خیابانی یک نفر آزادیخواه بود و بنده اهل مملکت ایشان هستم باید این مطلب را واضح کنم و ببینم این بیچاره که بعقیده بنده مظلوم کشته شد چرا کشته شده و کی او را کشته ؟ روح آزادیخواهان بهم متصل است جان و مال آنها یکی است با یکدیگر مسئولیت مشترک دارند و از یکدیگر دفاع می کنیم بنده بخود حق می دهم که همه جا فریاد بزنم که کی در قتل خیابانی شریک بوده از تمام حقوقات ملی محروم است مادر اینجا آمده ایم در خیر و شر این مملکت حرف بزنیم و بگوئیم این عقیده مطابق خیر بملک قانون اساسی است لازم نیست بدوره عملیات برگردیم تاریخ زندگی هر کس معلوم است باز تکرار می کنم خدمات باعث معافیت نخواهد بود در ضمن تقصیراتی که برای مرحوم خیابانی شمرند تصرف دارالحکومه را هم فرمودند خیلی خوب اگر این قبیل چیزها تقصیر است ما خیلی از اشخاص داریم از همه نزدیکتر آقای صمصام السلطنه که در اصفهان بر علیه محمد علی شاه قیام کردند و حکومت مرکز را

هم قبول نداشتند خود ایشان حاضر هستند اسفهان را مجری از طهران می دانستند پس چرا در باره ایشان مجازات نمی دهند ؟ بنده ایشان را تقدیس می کنم زیرا حکومت مرکز را برخلاف قانون اساسی و مشروطه می دانستند باز هم در اینجا داد می زنم که در قیام مجلس مردم باید یکشاهی پول ندهند یعنی بر علیه حکومتی که مجلس را بهم میزند قیام کنند و یاغی شوند بقول آقایان یاغی حاضر این جا ایستاده بنده می گویم هر کس بر علیه مشروطه قیام کند و مجلس را تعطیل نماید باو نباید یک دینار بدهند و اطاعت اوامر او را نباید کرد

گفته شد صحیح است

با کمال افتخار عرض می کنم تا زنده ام

و آزادی خواه هستم بر علیه چنین حکومتی قیام می کنم و علم طغیان بر میانگرم وقتی که اینجا نتوانستم در خارج قدم بقدیم فریاد می کنم اگر آقایان خسته می شوند بنده گمان می کنم مطلب مهم است و قابل این است که چندین روز در آن باب صحبت شود زیرا یا باید آقای مخبر السلطنه بری الذمه شوند یا آن مرده و این جمله که در اول نطقشان فرمودند « من صحبت های سلیمان میرزا را عموماً تکذیب می کنم » ایشان را بری الذمه نمی کند که بنده هم اگر بگویم فرمایشات ایشان را تکذیب می کنم نمی شود سند لازم است سندی که بنده در این مسئله دارم یکی قتل شخص معین است و یکی اظهارات آقای مدرس نزدیک تر از همه فرمایش خود آقای مخبر السلطنه که می فرمودند من هم با او هم مسلک بودم و چون در یک جمله شان فرمودند از طهران بتبریز تشریف می برده اند در نزدیکی تبریز بانها فرمودند من باشما هم مسلک در حالی که می فرمودند مرحوم خیابانی از مرکز پول میخواست و الامر کزیت را قائل بودند و سودتیکه در آن وقت ایشان در تهران بوده اند و در کابینه بودند و آن اطلاعات را داشتند در این صورت چه طور در نزدیکی تبریز بانها گفته من باشما هم مسلک و دیگر اینکه فرمودند خیابانی عالی قاپو را تصرف کرده بود هر کس عالی قاپو را تصرف کند واجب القتل است اینهم گویا قانون تازه است فرمودند از طهران پول می خواست آیا هر کس پول بخواهد واجب القتل است یا اینکه می گویند حب ریاست داشت کبست که حب ریاست نداشته باشد

امین التجار و اقبال السلطان

خود حضرت والا

سلیمان میرزا - بنده هم حب -

ریاست دارم و جزو ملائکه نیست منتهی ریاست با قانون اساسی می خواهم پیغمبران یا اشخاصی دیگر از قبیل سلمان فارسی هم در این دیناریاضت می کشیدند برای این

بود که در آخر ریاست داشته باشند اگر این هم تقصیر است پس در شهر هر آنچه هست گیرند حب ریاستی که بر ضرر مردم و برخلاف قانون اساسی است تقصیر است و بالاترین معاصی است البته هر کس میخواهد مثلاً در انتخابات اکثریت داشته باشد در مجلس اکثریت داشته باشد هیئت وزراء را از دسته خود معین کند حکام مملکت مطابق میل او معین شوند و قس علیهذا پس کبست که این نوع حب ریاست را نداشته باشد بنده این را تقصیر نمی دانم تقصیر این است که در وقتی که مجلس و قانون اساسی هست کسی اقدام بکار بکند در آن موقع باید بدولت فشار بیاورند مجلس را باز کنند سرباز مملکت هم که برای حفظ حقوق مملکت است بگویند من اهل مملکت هستم و مملکت مشروطه است اگر اینطور شد مملکت مشروطه است و قانون حفظ می شود و الا صاف و صریح عرض کنم با امضای شما مملکت مشروطه نمی شود و این که ملاحظه می فرمایند قانون اساسی و سایر قوانین در بویه اجمال مانده و هیچکس در خیال آن نیست برای این است که حس شجاعت و حس قدرت و حس انکساف بنفس و انکساف به خدا نیست و هنوز مردم چون متزلزلند و هنوز خیال می کنند با امضاء قانون درست میشود و از غیب منتظر هستند از خود منتظر نیستند هر کس باید تمام مملکت را از خود بداند و بگوید مال مملکت مال من است اجرای قانون اساسی بامن است حفظ آن بامن است اگر اینطور شد مملکت مشروطه است و هیچ دزدی نمی تواند باو بزند قانون اساسی مقدس است و باید صد ها هزار نفر در راه قانون اساسی کشته شوند و باز بایستند و بگویند (قانون اساسی) قانون اساسی با امضای یک نفر حفظ نمی شود می فرمودند اگر من قانون اساسی را با امضاء نمی رساندم مملکت مشروطه نمی شد (نمی خواهم بایشان حمله کنم) ولی عرض می کنم باید تمام افراد مملکت از سرباز و آژان و رهیت و وکیل و عمله و کارگر و رنجبر و هائی تماما قانون اساسی را حفظ کنند قانون اساسی که بنده با آقای حاج مخبر السلطنه با امضا برسانیم قانون اساسی می شود که همیشه باو حمله می کنند این طور بود که محمد علی شاه گفت من این امضاء را باطل می کنم و مجلس را بهم می زنم قانون مملکت روح مملکت و خون مردم اورا حفظ می کنند گمان می کنم آقایان از داد و بیادادهای بنده خسته شده باشند

محمد هاشم میرزا - خیر بفرمائید

کوش می دهم

سلیمان میرزا - بنده تصویری

کنم اگر چهار روز هم در خصوص اعتبار

نامه آقای وثوق الدوله صحبت کنم کم است